نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دوازدهم - شماره ۵۵۷ - یک شنبه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان

ادعای عجیب مشاور مدیرعامل پارس جنوبی:

پارس جنوبی برای پشتیبانی مالی تیم شاهین پارس بوشهر تعهدی ندارد

صفحه ۲

آغاز فصل فروش میگو با کاهش خرید مردم:

ماهی و میگو از آنِ بازار، آه و ناله از آنِ مردم

صفحه ۵

یک خسته نباشید به هیئت فوتبال و تربیت بدنی اما...

میهمان نوازی افراطی هیئت فوتبال

دوانی رئیس هیئت فوتبال بوشهر:

هنوز کار دارد تا شاهین تیم شود

علی اکبر شمسا کارشناس فوتبال:

عدم هماهنگی در بین شاهینی ها مشهود بود



جشن نیمه شعبان در بوشهر

photo : Soroush Gheysizadeh

شجریان؛ ماهورِ جان و شورِ آسمان نگاه

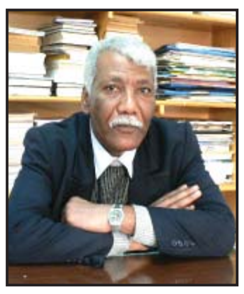
* حماسه حق پرست



صفحه ٤

خاطراتی از مرداد

* خورشید فقیه



صفحه ۵

داریوش غریب‌زاده :

خیلی سرمان پایین است!



صفحه ٤



فرار ملوان از بوشهر و حسرت شاهین

صفحه ۸

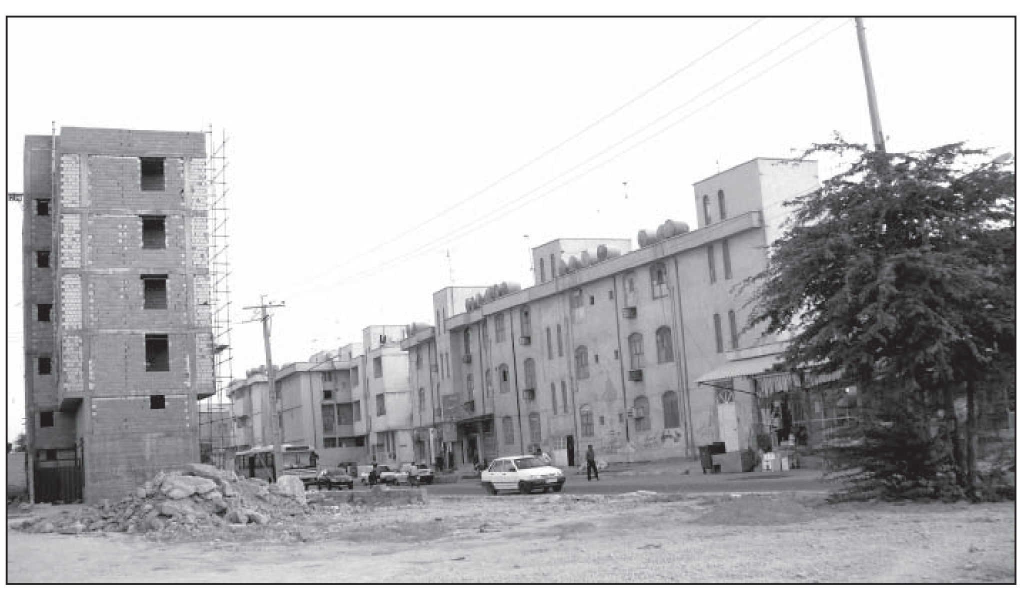
کوچه پس کوچه های شهر(۲)

ساکنان مخبلند بوشهر امکانات یک روستا را، بیش از محله خود می دانند

دیدار و گفتگو با شهروندان محله مخبلند شهر بوشهر

* بهاره عالی پور

هفته نامه نسیم جنوب به منظور پوشش هر چه بهتر و بیشتر مسائل و مشکلات و اقدامات انجام شده در گوشه های شهر در اقدامی جدید، در محلات مختلف بوشهر حضور می یابد تا پژواک صدای آنان را بیان کند.
از این به بعد هفته نامه نسیم جنوب گزارش های محله ای خود را آغاز خواهد کرد و به محله های شما خواهد آمد تا از مسائل و مشکلات محله شما را بازگو کند.
خبرنگار نسیم جنوب در دومین گزارش از "کوچه پس کوچه های شهر" در محله مخبلند حضور یافته و با مردم و شورایاران این محل به گفت و گو پرداخته است. محله بهمنی اولین میزبانِ خبرنگار نسیم جنوب بود که در شماره۵۵۴ به مسائل و مشکلات آن پرداخته شد و مخبلند دومین محله ای ست که این میزبانی را بر عهده گرفته است.
در ادامه گزارش خبرنگار نسیم جنوب را از این محله می خوانید:
مخبلند محله ای ست که در حال حاضر بیش از پنج هزار نفر جمعیت را در خود جای داده اما دریغ از وجود یک مدرسه، یک خانه بهداشت، پارک محله ای و دیگر امکاناتی که به گفته بارگاهی، یکی از شورایاران محل هر روستای دیگری از آن بهره مند می باشد.



ساکنان مخبلند امکانات یک روستا را، بیش از محله خود می پندارند

عدم تعریض خیابان اصلی مخبلند (با پهنای کمتر از ۱۲ متر به۲۰ متر)، عدم وجود فضای ورزشی مناسب، عدم وجود مکان آموزشی وخانه بهداشت و پارک محله ای و... اولویت های مشکلات محله مخبلند بود که مردم و شورایاران این محل بر بیان آن پافشاری می کردند، هر چند مشکلات دیگری نیز وجود داشت که دور از چشم نمی ماند، اما در انبوه مشکلات این محل به دیده فراموشی سپرده شده بود.



محمد جعفر بارگاهی که از آغاز شروع کار شورای سوم، شورایاری این محل را پذیرفته است، مشکلات محله خود را دسته بندی کرده و تنها به بیان اولویت های آن اکتفا می کند:
۱- کمبود فضای آموزشی بطوری که حتی یک مدرسه ابتدایی هم در این محل وجود ندارد و خیلی از بچه های محل برای تحصیل مجبورند که به محلات همجوار بروند.
۲- عدم وجود فضای ورزشی مناسب برای کلیه جوانان محل بطوریکه تنها زمین ورزشی، ابتدایی ترین امکانات ورزشی را هم ندارد.
۳- عدم وجود پارک محله ای، علی رغم تبلیغات وسیع صورت گرفته هنوز در این محله پارک محله ای که بتوان از آن استفاده کرد و یا اوقات خود را در آن سپری کرد ایجاد نشده.
۴- عدم تعریض خیابان اصلی مخبلند، خیابانی که ۱۲ متر بود و امکان تعریض آن به پهنای ۲۰ متر وجود داشت اما با مسائل پیش آمده کاملاً منتفی شد حال آنکه خیابان اصلی مخبلند است و تردد در آن زیاد می باشد.
بارگاهی با اشاره به موارد فوق، عمده مشکلات محله مخبلند را بیان کرد اما عدم تحقق همه این مسائل و مشکلات را بی توجهی مسئولان مربوطه دانست و گفت:« به نظر من عدم تحقق این مسائل بی توجهی مسئولین شهرداری در این قضیه می تواند باشد چرا که شهرداری در جریان کامل مسائل و مشکلات موجود در سطح شهر است و از تمام مسائل مطلع است.»
این شورایار افزود: «شهرداری می داند محله مخبلند با چه مشکلاتی روبروست حال آنکه پیگیری ما تاثیر زیادی ندارد؛ پیگیری زمانی خوب است که مسئولین شهرداری در جریان موضوع و یا مشکلی نباشند و در آن زمان ممکن است در روند کار تاثیری داشته باشد اما این موضوع دلیلی بر بی اطلاعی شهرداری نمی تواند باشد و اگر شهرداری این موضوع را به گردن ما شورایاران بیندازد و مدعی شود که ما چنین مسائلی را دنبال نکرده ایم به نوعی سرپوش گذاشتن بر وظایفی که انجام نداده است.»

سرنوشت تردد مردم مخبلند در خیابان اصلی در هاله ای از ابهام

بارگاهی در ادامه با اشاره به مشکل تردد در خیابان اصلی مخبلند اظهار داشت: «خیابان مخبلند یک خیابان ۲۰ متری ست و تردد در آن زیاد می شود و تا کنون نیز در انتهای این خیابان شاهد تصادف شهروندان بوده ایم ولی تاکنون نه از طرف راهنمایی و رانندگی و نه از طرف شهرداری هیچ گونه اقدامی انجام نشده است.»
وی افزود: «در ابتدا قرار بود که این خیابان از سمت غرب تعریض پیدا کند اما با احداث خانه های بنیاد مسکن امکان تعریض آن منتفی شد و قرار شد یک سری از زمین ها را از سمت شرق تعریض کنند اما با کارهایی که در ادارات انجام شده و با ساخته شدن یک ساختمان ۷ طبقه، عملاً ۲۰ متری شدن خیابان مخبلند را منتفی می کند و این بزرگترین مشکل برای مردم است چون تنها خیابان مخبلند است که در آینده به خیابان ساحلی (جنب بیمارستان امیرالمومنین پایگاه هوایی) متصل می شود.»
وی خاطرنشان کرد: «این موضوع از زمان استاندار افراشته مطرح بود و در زمان شهرداری راستی و میگلی نژاد پیگیری شد اما متاسفانه هیچ نتیجه ای حاصل نشد و با توجه به پیگیری هایی که حتی به دفتر رهبری هم منجر شد، باز هم شاهد ساخت و ساز هم در ضلع غربی شدیم که به بحث تعریض این خیابان را که کمتر از ۱۲ متر می باشد را به صورت صد در صد منتفی کرد.»



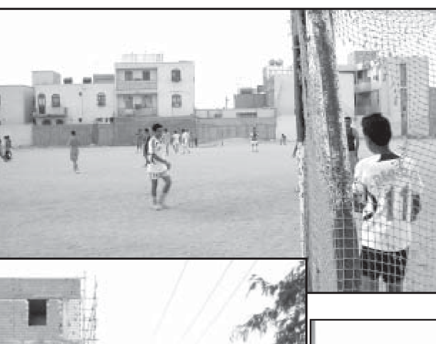
بارگاهی با طرح پرسشی کار غیر قانونی ساخت و ساز و نادیده گرفته شدن آن از جانب برخی مسئولین را زیر سوال برد و گفت: «چطور است که گشت شهرداری در مناطقی مثل سرتل و امامزاده براحتی نظارت می کند اما به ساختمانی که ۷ طبقه است و کنار خیابان اصلی و در کنار پست فشار قوی برق است مجوز داده شده؟ در هر حال مسئولین امر در اداره برق و شهرداری باید پاسخگو باشند و متاسفانه هر بار هم بحث این موضوع به میان آمده به بهانه ای طفره رفته اند.»
وی با تاکید بر اینکه خیابان مخبلند نیازمند تعریض است عنوان کرد: «بزرگترین مشکل برای مردم مخبلند تردد در خیابان اصلی ست ضمن اینکه محله مخبلند بالغ بر پنج هزار نفر جمعیت دارد و می تواند مشکلات عمده ای را برای تردد مردم بوجود بیاورد و به اتصال این خیابان به خیابان ساحلی می تواند مشکلات را چندین برابر کند و نمی دانیم که در آن هنگام چه کسی پاسخگو خواهد بود.»

آسفالت یعنی ریختن قیر و بعد آسفالت!

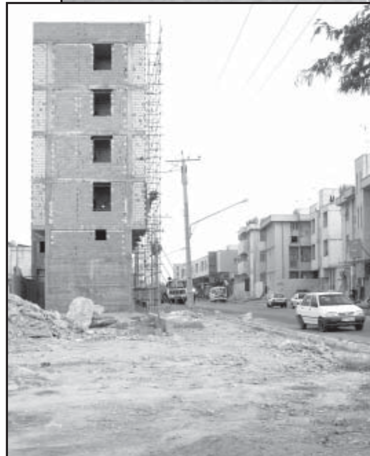
وی در ادامه به آسفالت نامناسب خیابان اشاره کرد و گفت: «هر چند ما کارشناس نیستیم اما کار کارشناسی دیگران را در جاهای مختلف دیده ایم. آسفالت خیابان بدون هیچ گونه جدول کشی و کار اصولیِ انجام شده؛ متاسفانه اکثر کارهای شهرداری فُرمالیته است. ریختن قیر و بعد آسفالت آن هم آسفالتی که مشخص نیست چقدر دوام داشته باشد.»

نصب تیر چراغ برق در وسط خیابان ۱۲ متری

آنچه بیش از همه جال به نظر می رسد نصب تیر چراغ برق در وسط کوچه ۱۲ متری بود و عملا کوچه را به دو نیمه ۶ متری تقسیم کرده بود و از آنجا که امتداد این کوچه به خیابان اصلی راه پیدا می کرد بار ترافیکی و امنیتی محل را به خطر می انداخت.
به گمان بارگاهی و تنی چند از مردم محله مخبلند شاید امکانات موجود در محله مخبلند در حد یک روستا هم نباشد. به گمان آنها یک روستا حداقل امکانات را دارد اما مخبلند از ابتدایی ترینِ امکانات هم محروم است.
در سال ۸۲ با تلاش و همت مردم یک زمین ورزشی برای جوانان محل در اختصاص یافت که برای امر تفریح و ورزش سکنه محل در نظر گرفته شده بود، اما با گذشت بیش از ۶ سال همچنان راکد مانده است. در این مدت تنها به دیوار کشی زمین اقدام کرده بودند، اما بعد از گذشت ۶ سال تغییر چندانی صورت نگرفته است.







بارگاهی در این خصوص می گوید: «از وجود این زمین می توانستند به بهترین شکل استفاده کنند و بهترین فضا را برای جوانان محل ایجاد کنند اما هیچ اقدامی صورت نگرفته است و این بی توجهی دلیلی جز بی توجهی شهرداری و شورای شهر نیست. از این فضای وسیع می توان برای ایجاد زمین بسکتبال ، مینی فوتبال و... استفاده کرد در حالیکه بعد از گذشت ۶ سال همچنان خاکی ست.»
در این میان وجود تنها پارک کوچک موجود در محله نظرم را به خودش جلب کرد، هم کودکان و هم بزرگسالان از آن استفاده می کردند و جالب این بود که هر دو گروه هم از وجود تنها پارک موجود در مخبلند ابراز رضایت می کردند.
نمی شد اسم آن را پارک محله ای گذاشت اما کودکان مشغول بازی کردن بودند و بزرگترها هم بر روی نیمکت های معدود پارک نشسته بودند. همه از وجود تنها پارک محله ای در دواس احساس خرسندی می کرد اما این نظر را داشتند که این پارک باید بهتر باشد چرا که نقاط زیادی در محل وجود داشت که می توانست بهترین مکان برای ایجاد فضای سبز و پارک محله ای باشد.

مسئولین اهمیت نمی دهند

دوانی یکی از سکنه محله مخبلند با ابراز تأسف از این موضوع می گوید: «در طول یکسالی که ساکن این محل هستم زمین های راکد زیادی را دیدم که می تواند بهترین فضا برای ایجاد پارک باشد اما تنها این زمین چند متری را به احداث پارک برای بچه ها اختصاص داده اند.»
او از نبود مکان آموزشی و بهداشتی در محل هم گلایه کرد و گفت: «متاسفانه در این محل نه مکان آموزشی وجود دارد و نه مکان بهداشتی و ما به هر نحو مجبوریم به بهمنی و یا دواس مراجعه کنیم حتی برای مهدکودک بچه ها و یا یک درمان معمولی.»
وی افزود: «کل محله مخبلند فقط یک ایستگاه دارد و ما باید مسافت زیادی را طی کنیم تا به ایستگاه برسیم.» او به اتفاق دیگر همسایگانی که بچه هایشان را به پارک آورده بودند گفت: «ما از مسئولین توجه و پیگیری بیشتری می خواهیم اما مسئولین اهمیت نمی دهند.»
ناصر سرشار یکی دیگر از شورایاران محل بود که در مورد پیگیری های صورت گرفته در خصوص ایجاد فضای ورزشی و تفریحی و به نتیجه نرسیدن آن حرف های زیادی برای گفتن داشت.
ناصر سرشار که شاهد بازی فوتبال جوانان بی شماری بر روی زمین خاکی محله مخبلند بود، گفت: «چندین سال بود که دنبال این زمین بودیم و پیگیری این زمین به زمان استانداری تبادار بر می گردد اما با پشت سر گذاشتن دو استاندار دیگر هنوز خاکی ست.»

مسئولین کوتاهی کردند

سرشار افزود:« از نونهالان و جوانان و بزرگسالان گرفته همه می توانند از این زمین استفاده کنند و ما امیدواریم که این موضوع نتیجه دهد ولی تا کنون که اقدامی صورت نگرفته چون مسئولین نخواستند پیگیری کنند و در این زمینه خیلی کوتاهی کردند.»
وی با بیان اینکه امروزه هیچ کاری بدون روابط دوستانه پیش نمی رود عنوان کرد: «ما این مسائل را بر اساس روابط دوستانه پیگیری می کنیم وگرنه اگر منتظر روال اداری باشیم کار به این زودی انجام نمی شود؛ امروز هر چه روابط دوستانه تر باشد کارها سریع تر انجام می شود.» وی در پاسخ به سوالی مبنی بر عدم توجه به این محله گفت:«مشکل موجود این است که مخبلند در جای پرت و دور افتاده ای قرار دارد مثل بوشهر که از کشور دور افتاده است مخبلند هم از این شهر پرت افتاده و چون رهگذر بر روی آن کمتر است نسبت به آن بی توجه هستند و مثل هر کوچه فرعی دیگری به آن بی توجهی می شود و وقتی هم صحبت می کنیم وعده و وعیدهایی می دهند اما مشخص نیست که کی اجرایی می شود.»
این شهروند بوشهری افزود: «تمام این مواردی را که گفتیم قبلا پیگیری کردیم و اگر پیگیری نکرده بودیم گناه را به گردن خود می انداختیم اما چون پیگیری کردیم نمی دانیم چرا به نتیجه نمی رسد. کوتاهی از طرف ما نبوده، ما تا آنجا که توانستیم پیگیری کردیم.»

کوچه های تاریک مخبلند

ساعت حدود ۲۰:۲۰ دقیقه شب بود در حالیکه سعی داشتم خودم را از کوچه های فرعی به خیابان اصلی برسانم ظلمات همه جا را فرا گرفته بود. انگار هیچ تیر چراغ برقی در آن حوالی وجود نداشت و یا اینکه هیچ کدام لامپ نصب نبود. روشنایی اندکی بوسیله روشنایی منازل شخصی بر کوچه مستولی بود هر چند کفایت نمی کرد و در آن تاریکی اگر موبایلم را روشن نکرده بودم حتما به تیر چراغ برقی که در وسط کوچه ۱۲ متری نصب شده بود بر می خوردم.
بالاخره به خیابان اصلی رسیدم و این سوال فکرم را مشغول کرده بود که مردم چطور با این محدودیت و مشکلات زندگی می کنند.

انتخاب اعضای جدید هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی بوشهر

پنجمین هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی بوشهر انتخاب شد. در انتخاباتی که با شرکت بیش از ۶۰۰ نفر از مهندسین بوشهر برگزار شد، اعضای هیئت مدیره جدید سازمان نظام مهندسی بوشهر انتخاب شدند. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب اعضای جدید سازمان نظام مهندسی بوشهر عبارتند از : مهندسی عمران: مهندس پورحیدر، مهندس مسعود راویان، مهندس ماه منیر فرخ پور – مهندسی معماری: مهندس پرویز جمهیری – مهندسی شهرسازی: مهندس احمد زارعی – مهندسی تاسیسات برق: مهندس علیرضا سنایی دشتی – مهندسی مکانیک: مهندس جوانمرد.

حوادث بوشهر

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر

دستگیری سارقین مسلح در کنگان

ماموین کلانتری ۱۱ کنگان موفق به دستگیری ۴ نفر سارق مسلح در آن شهرستان شدند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، مامورین پلیس کلانتری ۱۱ شهرستان کنگان در پی دستگیری ۴ نفر سارق منزل، بازجویی های فنی خود را در این خصوص آغاز نمودند. ادامه گزارش حاکیست ، در بازجویی های صورت گرفته توسط پلیس ، متهمین به حمل یک قبضه سلاح کمری در هنگام سرقت و سه فقره سرقت منزل اعتراف کردند. برپایه این گزارش ، در بازرسی صورت گرفته از منزل متهمین یک قبضه سلاح کمری و تعدادی اموال مسروقه کشف و ضبط که اموال کشف شده تحویل مالباختگان گردید.

اعتراف سارق به سرقت ۱۱ دستگاه موتورسیکلت بوشهر

مامورین پلیس آگاهی شهرستان دشتستان موفق به دستگیری یک نفر سارق موتورسیکلت در بخش آبپخش آن شهرستان شدند.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، مامورین پلیس آگاهی شهرستان دشتستان به کمک مامورین کلانتری ۱۱ آبپخش در راستای اجرای طرح مبارزه با سرقت و طی عملیاتی موفق به کشف ۳ دستگاه موتورسیکلت مسروقه و دستگیری یک نفر سارق شدند. ادامه گزارش حاکیست ، در همین ارتباط در بازجویی های بعمل آمده سارق به سرقت ۱۱دستگاه موتورسیکلت در سطح استان اعتراف کرد.

دستگیری سارقین سابقه دار در بوشهر

مامورین کلانتری ۱۱ بوشهر موفق به دستگیری ۲ نفر سارق و کشف ۲ دستگاه موتورسیکلت از آنان شدند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، مامورین کلانتری ۱۱ بوشهر در پی دستگیری ۲ نفر سارق سابقه دار ساکن بوشهر اقدامات فنی و تخصصی خود را در این خصوص آغاز نمودند. بر پایه این گزارش ، در بازجویی های بعمل آمده توسط پلیس ، متهمین به سرقت دو دستگاه موتورسیکلت ویو اعتراف نمودند. ادامه گزارش حاکیست ، در همین خصوص دو دستگاه موتورسیکلت مذکور در بازرسی از منزل آنان کشف و ضبط گردید.

بی احتیاطی راکب موتورسیکلت جانش را گرفت

در پی وقوع یک فقره تصادف در شهرستان دیر یک نفر راکب موتورسیکلت فوت و یک نفر دیگر نیز مجروح گردید. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، در پی اعلام وقوع یک فقره تصادف در میدان میگو دیر مامورین کلانتری ۱۱ بلافاصله به محل اعزام شدند. بر پایه این گزارش ، با حضور مامورین در صحنه مشخص گردید دو نفر موتورسوار با جدول کنار خیابان برخورد که منجر به فوت راکب و مصدومیت ترک نشین گردیده است. ادامه گزارش حاکیست ، در همین ارتباط کارشناس پلیس از صحنه تصادف بازدید و علت حادثه را عدم کنترل وسیله نقلیه بعلت تخطی از سرعت مطمئنه بیان کرد.

سارق موتورسیکلت در دام پلیس کنگان

مامورین کلانتری ۱۱شهرستان کنگان موفق به دستگیری یک نفر سارق سوار بر موتورسیکلت سرقتی شدند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، مامورین کلانتری ۱۱شهرستان کنگان در حین گشت زنی، به یکدستگاه موتورسیکلت فاقد پلاک به راکبی فردی مظنون و اقدام به توقیف آن نمودند. بر پایه این گزارش ، در پی توقیف موتورسیکلت و انتقال آن به کلانتری و استعلام از سیستم رایانه مشخص گردید موتورسیکلت فوق حدود یک هفته قبل در خیابان ۱۷ شهریور آن شهرستان به سرقت رفته است. ادامه گزارش حاکیست، در همین خصوص از متهم دستگیر شده بازجویی بعمل که نامبرده به سرقت موتورسیکلت اعتراف و موتورسیکلت فوق تحویل مالباخته گردید.

ادعای عجیب مشاور مدیرعامل پارس جنوبی:

پارس جنوبی برای پشتیبانی مالی تیم شاهین پارس بوشهر تعهدی ندارد

مشاور مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در امور اجرایی گفت: این سازمان تعهدی مبنی بر تخصیص ۵۰ میلیارد ریال اعتبار برای تیم فوتبال شاهین پارس بوشهر نداده است و هیچگونه مستنداتی تا زمان تغییر مدیریت این سازمان موجود نیست.
سید پیروز موسوی در جمع خبرنگاران گفت: مدیریت جدید سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در ابتدای شروع به کار خود با بررسی اعتبارات مصوب ورزش در حضور هیات مدیره باشگاه شاهین پارس بوشهر و مسوولان ورزش این سازمان متوجه می شود که متاسفانه هیچگونه بودجه ای نیز برای پشتیبانی تیم شاهین پارس بوشهر در سیستم مالی این سازمان لحاظ نشده است.
افزود: این موضوع با برگزاری چهار جلسه طولانی و در حضور مسوولان ورزش وزارت نفت بررسی شد اما به دلیل پیش بینی نشدن و تصویب نشدن بودجه مورد نیاز حل و فصل نشد.
وی با بیان این که مشخص نیست مبلغ ۵۰ میلیارد ریال اعتبار بر اساس چه برآوردی اعلام شده است، اظهار داشت: طبق اطلاعات موجود نمایندگان مجلس و مسوولان استان بوشهر مبالغ مختلفی مانند ۳۵ میلیارد، ۱۰ میلیارد، ۴۵ میلیارد و ۵۰ میلیارد ریال اعتبار را در قالب بودجه مورد نیاز به ریاست جمهوری و وزارت نفت اعلام کرده اند.
مشاور مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در امور اجرایی افزود: در عین حال این سازمان پس از پیگیری ها و اخذ مجوزهای لازم مبلغ ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال را در سال جاری برای تیم شاهین پارس بوشهر در نظر گرفته و مقرر شده در دو مرحله پرداخت شود.
موسوی با تاکید بر این که در مرحله اول پنج میلیارد ریال از این اعتبار در هشتم مردادماه به حساب تربیت بدنی استان بوشهر واریز شده است، تصریح کرد: سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به مدیرکل تربیت بدنی استان اعلام کرده درصورتی که تربیت بدنی استان بوشهر نامه ای از دبیرخانه بند (ب) سازمان تربیت بدنی مبنی بر پرداخت مبلغ هفت میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال از محل ۳۰ درصد بودجه بند یک ماده ۱۱۷ به این سازمان ارایه کند، این وجه در مرحله دوم پرداخت می شود.
موسوی با اشاره به این که طبق اسناد و مدارک موجود و بر اساس قوانین مصوب تیم شاهین پارس بوشهر وابستگی مدیریتی به سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ندارد، اضافه کرد: این سازمان از چگونگی جذب بازیکن، قراردادها و مبالغ پرداخت شده به آنها اطلاعی ندارد و حتی یک بار نیز در خصوص شرایط و وضعیت بازیکنان تیم شاهین از نظر فنی و آمادگی و چگونگی اداره تیم تماسی با مدیران سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس برقرار نشده است.
وی در پاسخ به پرسشی در خصوص تصویب و ابلاغ مبلغ ۵۰ میلیارد ریال از طرف وزارت نفت به مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تاکید کرد: چنین موضوعی به هیچ عنوان صحت ندارد و چنین دستوری از طرف وزیر نفت و یا مدیرعامل شرکت ملی نفت به دلیل مشکلات و محدودیت های قانونی نه بصورت کتبی و نه بصورت شفاهی صادر نشده است.

توسط شرکت شهرکهای صنعتی استان برگزار می گردد

کارگاه تربیت ارزیاب جایزه ملی بهره وری و تعالی صنایع کوچک

معاون صنایع کوچک شرکت شهرکهای صنعتی بوشهر اعلام کرد: به منظور استقرار نظام تعالی در بنگاههای صنعتی کوچک این شرکت با همکاری سازمان متبوع اقدام به برگزاری مجموعه کارگاه های تربیت ارزیاب جایزه ملی بهره وری و تعالی صنایع کوچک نموده است .
مهندس غلامحسین پولادتن هدف از برگزاری این دوره را



کسب دانش لازم در خصوص معیارهای مدل تعالی سازمانی ، آشنایی فراگیر با فنون و تکنیکهای مختلف خود ارزیابی ، کسب مهارت لازم برای ارزیابی واحدها براساس مدل تعالی سازمانی ، تربیت ارزیاب و مدیر تعالی برای صنایع کوچکدر سطح کشور دانست.
وی محتوای این کارگاه را حول محورآشنایی با مدل تعالی صنایع کوچک ، آشنایی با منطق رادار ، آشنایی با روش های خود ارزیابی و فرایند ارزیابی براساس مدل ، ارزیابی به روش پرسشنامه ، نحوه نوشتن fead back report و آزمون و مصاحبه دانست .
وی شرایط متقاضیان حضور در کارگاه را داشتن مدرک کارشناسی مرتبط با حوزه صنعت و معدن ، حداقل سن ۲۷ سال و ۳ سال سابقه کار اعلام کرد.
وی افزود: افرادی که ضمن حضور فعال در این کارگاه بتوانند با موفقیت آزمون و مصاحبه را طی کنند ، می توانند به عنوان ارزیاب جایزه ملی بهره وری و تعالی صنایع کوچک انتخاب شوند .
مهندس پولادتن اعلام کرد : متقاضیان حضور در کارگاه می بایست تا تاریخ ۸۸/۵/۱۸ درخواست خود را به شرکت شهرکهای صنعتی استان اعلام نمایند تا پس از بررسی شرایط متقاضیان ثبت نام قطعی صورت گیرد .

پیگیری های نفتی میگلی نژاد

نماینده مردم بوشهر گناوه دیلم ریگ و خارگ در مجلس شورای اسلامی در خصوص عدم بهره برداری از جایگاه CNG بوشهر به مهندس رمضانی مدیر عامل شرکت ملی گاز تذکر داد.
وی همچنین با توجه به تهدیدات و احتمال تحریم بنزین ایران از سوی امریکا، تمهیدات اندیشیده شده از سوی وزارت نفت برای حل این مشکل را جویا شد.
ایشان همچنین از مهندس دل پریش علت عدم اجرای مصوبات وزارت نفت را جویا شد که دل پریش قول مساعد جهت اجرایی شدن مصوبات استانی حوزه نفت داد.
میگلی نژاد همچنین مذاکراتی با مهندس جشن ساز برای پرداخت بخش دیگری از تعهدات وزارت نفت در قبال تیم شاهین پارس جنوبی بوشهر داشت.

نظرات اینترنتی
Nasim Jonoub
سایت اینترنتی نسیم جنوب

پیشنهادی درباره اعترافات ابطحی و عطریانفر

خدر: با توجه به اعترافات آقایان ابطحی و عطریان فر من تعجب می کنم که چرا آنها هنوز در زندان هستند و حتا نمی توانند با وکلای خود دیدار هم کنند. پیشنهاد می کنم که با سخنانی که در دادگاه گفتند نه تنها هر چه زودتر توسط برادران اصولگرا آزاد شوند بلکه زمینه ای فراهم شود که در سفرهای استانی حاضر شده و در جمع اصلاح طلبان آنها را نصیحت کنند تا از راه منحرفی که انتخاب کرده اند دست بردارند و همان بحثها و استدلالاتی که در زندان برای آنها شده است و باعث تغییر موضع آنها شده است را برای اصلاح طلبان سراسر کشور مطرح کنند تا آنها نیز قانع شده و دست از انحرافات خود بردارند. در این صورت دیگر نیازی به بازداشت و دستگیری بقیه اصلاح طلبان و اصلاح آنها در زندان هم وجود ندارد.

یک پیشنهاد دیگر درباره اعترافات ابطحی و عطریانفر

جواد: درباره نظر خدر درباره اعترافات آقایان ابطحی و عطریان فر به نظرم به جای اینکه اینها خودشان بیایند و مباحث مطرح شده در زندان را که منجر به نجات آنها از انحراف شده را برای دیگر اصلاح طلبان بگویند بهتر است که خود کسانی که این مباحث مهم را با این متهمان در زندان مطرح و باعث پی بردن متهمان به اشتباهشان شده است، بیایند و مباحث مهمی را که در زندان با متهمان مطرح می کنند در تلویزیون با مردم مطرح کنند تا باعث جلوگیری از انحراف اصلاح طلبان شود. این روش می تواند بهتر باشد. دیگر کسی هم نمی تواند بگوید که این اعترافات به زور از آنها گرفته شده است.

کتاب مظفری زاده و مرکز بوشهر شناسی

جعفری: کتاب خاطرات آقای مظفری زاده که نقش مهمی در رویدادهای انقلاب در بوشهر دارند می تواند یکی از مستندترین اسناد شفای در این برهه از تاریخ باشد. ای کاش مرکز بوشهر شناسی به این موضوع اهمیت می داد و اندکی از صد سال گذشته بوشهر جلوتر می آمد و به این موضوعات هم اهمیت می داد و نسبت به جمع آوری و ثبت و انتشار رویدادهای بعد از حضور انگلیسی ها در بوشهر هم همت می گماشت. امیدوارم افراد دیگر هم همانند آقایان سیمرونی - فاتحی - قنبر پور - روشن بین - تنگستانی و... هم نسبت به ثبت و جمع آوری خاطرات خود اقدام کنند.

آیا بهمنی جزو بوشهر است؟

حامد : محله بهمنی بوشهر هنوز مثل یک محله حاشیه ای است و مثل اینکه شهرداری و شورای شهر و فرمانداری هنوز قبول ندارند که این محله و دیگر محلات جنوبی شهر بوشهر جزو شهر هستند. گزارش نسیم جنوب از این محله بار دیگر باعث عریان شدن مشکلاتی شد که ما ساکنین آن محله هم برایمان عادی شده بود. در ضمن مقاله آقای پوربهی هم خیلی خوب و فنی بود و اگر بخواهند به مواردی که عنوان شد عمل کنند بسیاری از مشکلات رفع می شود.

خرابی خیابانهای بوشهر

یک شهروند. نمیدونم ....ولی اول میخواستم مطمئن بشم آیا کسی هست این مطالب رو بخونه یا نه.... اگه میخونه پیگیری میکنه.. یا اینا رو واسه تنوع روحی و فکری میبینه.. حرف واسه گفتن زیاده... از شهر...جامعه..دنیا.. بستگی به مخاطب و مسئول بررسی کننده داره.. حق بهم بدید که اگه بدونم مطالبم حتی ثبت میشه و جزو آمار محاسبه میشه خودش کلیه.. بهر حال منتظر می مونم یک نفر مسئول خودش رو معرفی کنه...
چرا نیروهای محترم انتظامی تمام خیابانهای ما رو جهت امنیت و سامان دادن نظم با حضور فعال احاطه کردند ولی کسی یه آسفالت سالم و جاده ای برای رانندگی مطمئن و حداق ایمن پیدا نمیکه...کسی نیست رسیدگی کنه... مثال: هر دو باند خیابان مطهری... شایدم خود مسئولین از این خیابان عبور ندارند، شایدم با سرویس های تمام اتوماتیک و ویژه عبور میکنند؟!

تشکر از محیط زیست

یک دانشجو: از جناب آقای حسین دلشب سرپرست دلسوز اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر سپاسگزاریم. چناب دلشب در مورد گرد و غبار پراکنده در هوا، صادقانه با مردم بوشهر مسایل و مخاطرات محیط زیستی را در میان گذاشته اند.

یادی از خبرنگاران زندانی

محمودی: در روز خبرنگار با یاد خبرنگاران زندانی از جمله قوچانی، زیدآبادی، عطریانفر و... از همه خبرنگاران می خواهم که به وظیفه خود بدرستی عمل کنند و واقعیات جامعه را آنچنان که هست انتشار دهند و نگذارند که فشارها بر آنان غلبه کند و از نوشتن و گزارش حقایق اجتماعی دور بیفتند و قلم خود را بفروشند.

سیر کردن شکم فقیران دیگر کشورها

مریم: در حالیکه بسیاری از مردم ایران با فقر زندگی می کنند و بسیاری از جوانان این کشور بیکار هستند و نمی توانند ازدواج کنند و زندگی مشترکی تشکیل دهند و خیلی از آنها به انحراف کشیده می شوند, دادن وام از سوی دولت به کشورهای امریکای جنوبی هیچ توجیهی ندارد. دولت باید به فکر مردم خودمان باشد تا آنها را از فقر نجات دهد نه اینکه به فکر سیر کردن شکم مردم کشورهای دیگر باشد.

بازی نکردن با آبروی شخصیت های کشور

قاسم: نباید به سادگی با آبروی شخصیت های سیاسی کشور که عمری برای این انقلاب زحمت کشیدند و با دلسوزی در روزهای سخت برای این مردم از زندگی آسوده خودشان گذشتند و همه عمر خودشان را برای ایران عزیز گذاشته اند، بازی شود و آنها را جاسوس و ضد انقلاب و مرتبط با خارجی های ضد انقلاب دانست. در دلسوزی آنها برای انقلاب و کشور شکی نیست و نباید در دعواهای جناحی و سیاسی از انقلاب و اسلام برای بیرون کردن رقیب استفاده کرد.

فرصت سوزی امروز، زیان نسل های بعدی

لزوم توسعه منابع انسانی استان در استفاده بهینه از فرصت بزرگ پارس جنوبی

* غلامعلی زارعی

امروزه تغییر نگرش مکاتب مختلف فکری به انسان به ویژه در حوزه اقتصاد، باعث گردیده جوامع گوناگون اساس توسعه خود را در گام اول در توسعه منابع انسانی خود جستجو نمایند. به بیانی دیگر با توسعه منابع انسانی می توان در مدت زمانی کمتر توسعه همه جانبه و متوازن را عملی نمود. اما برای توسعه منابع انسانی پیش شرط هایی لازم است که درون آنها به طور حتم توسعه صورت متوازن و همه جانبه را نخواهد پذیرفت. بنابراین اگر در جستجوی توسعه آن هم از نوع متوازن و دانایی محور در استان بوشهر می باشیم، ناگزیر می بایست با رعایت پیش شرط هایی عملاً به توسعه منابع انسانی خود اقدام کنیم. اگر استان بوشهر در زمینه های گوناگون انسانهای دانا، ماهر و خلاق به تعداد کافی داشته باشد، با مدیریت صحیح می توان به توسعه استان در زمینه های دیگر امیدوار بود.

استان کوچک بوشهر متشکل از مجموعه ای روستا و روستا شهر مختلف است که در بیشتر آنها الگویی پایدار برای کسب درآمد وامدار معاش به تعداد بیشتر سکنه وجود ندارد. به بیان دیگر ضعف در زیربناهای مختلف توسعه باعث گردیده بیشتر ساکنان استان به کار و کسبی دائم با درآمدی کافی و پایدار اشتغال نداشته باشند. اگر بیشتر جمعیت یک روستا از کشاورزی امرار معاش کنند الگوهای ناقص کشت باعث می شود درآمد آنان فصلی، غیردائم و ناکافی برای تمامی فصول سال باشد؛ بنابرین بیشتر جمعیت آن روستا در بیشتر سال با پدیده بیکاری فصلی مواجه هستند که این موضوع باعث مشکلاتی است که در نهایت مانع از توسعه منابع انسانی آن محدوده جغرافیایی است. از سویی، اگر جمعیت جوان و محصل آن روستا تصمیم بگیرند از راه یادگیری حرف مختلف یا دانش های گوناگون به امرار معاش و زندگی بهتر دست یابند، باز نبود بازار کار برای جذب آنان یا باعث مهاجرت آنان به مناطق دارای پتانسیل بهتر می شود یا اگر نخواهند از زادگاه خود مهاجرت نمایند ناگزیر سرخورده می بایست جذب بازار کار و اشتغال به مشاغل سنتی محل سکونت خود شوند که نهایت این موضوع نیز تکرار چرخه کارهای فصلی و درآمد ناکافی است که از یک سو باعث صرف هزینه های زیاد و وقت و عمر آنان است و از سویی دیگر سرخوردگی نسل بعدی در پی دیدن الگوهایی اینچنین را به همراه خواهد داشت.

بنابراین وقتی نسل بعدی نظاره گر چنین داستانی باشند ناگزیر به مشاغل سنتی فصلی با درآمد ناکافی تن می دهند که این موضوع بازگشت به نقطه اول و مواجهه با نسلی از کسانی است که نه سواد کافی برای تغییر زندگی فردی و جمعی دارند و نه مهارت کافی برای جذب در بازار کار مناطق برخوردار تر که در این بین رشد آسیبهای اجتماعی نیز مشکلی بر خیل مشکلات جامعه است.

با این فرض که اصلاح یک جامعه باید از اصلاح فردی شروع شود می توان نتیجه گرفت، دست یابی استان به توسعه پایدار که ناگریز از توسعه منابع انسانی است می بایست با تغییر الگوی زندگی در روستاها و واحدهای کوچک اجتماعی آغاز گردد. اگر در روستاهای کوچک استان که به نظر می رسد شغل بیشتر ساکنان آنها کشاورزی، دامداری، صیادی و حرفی این گونه است، چنان چه الگوی کشت، دامداری و صیادی به نحوی اصلاح گردد که شاغلان به آنها اولاً اشتغالی دائمی داشته و سپس دارای درآمد کافی از شغل خود باشند به نظر می رسد بخشی از مشکل توسعه منابع انسانی استان برطرف شود.

وقتی کشاورزی، دامدار، صیاد و... مطمئن باشد که می تواند در زادگاه خود اشتغالی دائمی با درآمدی کافی داشته باشد بخشی از برخورداری خود را به یادگیری و آموزش فنون افزایش بهره وری اختصاص می دهد، ضمن این که جوامع برخوردار هم می توانند نسل های بعدی بهتری تربیت کنند و هم می توانند با توسعه بازار کار مشاغل و حرف جدیدی را به وجود آورند و با کارآفرینی زمینه جذب نیروی انسانی ماهر و دانشمند خود را در زادگاه خود پدید آورند.

در حال حاضر اگر جوانان استان با آموزش تجربی به مشاغل سنتی موجود در زادگاه خود اکتفا کنند، ناگزیر به یک زندگی با درآمد حداقلی تن داده اند و در حالی که الگوی کار و کسب آنان متناسب با شرایط نیست همیشه درگیر با ضروریات زندگی هستند که حتی تربیت نسل بعدی را نمی توانند به نحوی بهتر راهبری کنند.

در غیر این صورت اگر تلاش نمایند و با ادامه تحصیل یا فراگیری فنون مختلف خود را متناسب با نیاز بازار کار ارتقاء دهند ناگریز و بدلیل نبود فرصت های شغلی در زادگاه خود می بایست به دوری از خانواده و درگیر شدن در مشکلات آن تن در دهند که در این صورت شهرها و روستاهای استان محروم از حضور نیروی نخبه و بومی می شوند.

دیدن این شرایط برای نسل بعد چنان چه نخواهند از زادگاه خود مهاجرت نمایند باعث مشکلاتی است که تبعات گوناگونی را به همراه خواهد داشت.

در چنین شرایطی چگونه می توان به توسعه منابع انسانی امیدوار بود در حالی که بازار کار و اشتغال برای جذب نیروی انسانی ماهر و دانشمند در بیشتر شهرها و روستاهای استان با محدودیت روبرو است.

خوشبختانه در شرایط فعلی در بخشی از استان (عسلویه) به دلیل وجود منابع گازی سرشار و نیاز به بهره برداری از آنها برای تامین نیازمندیهای مناطق برخوردار بازار کار و اشتغال با تنوع بسیار زیاد به وجود آمده است که می طلبد برنامه ریزان استان با رفع چالش های حضور نیروی انسانی استان در پروژه های صنعتی آن، اساس توسعه منابع انسانی استان را رقم بزنند.

هرچند اشتغال نیروی انسانی توانمند استان در یک بخش جغرافیایی آن خود چالشی است که می بایست برای به حداقل رساندن تبعات آن تلاش شود اما در گام اول می بایست در کوتاه مدت با شناسایی نیاز بازار کار آن منطقه به آموزش نیروی انسانی استانی با سرعت اقدام کرد و سپس با تلاش بیشتر زمینه جذب و به کارگیری نیروهای نخبه و ماهر استان را در پروژه های گوناگون آن به وجود آورد.



در حال حاضر هر چند دولت نهم مصوبه ای برای جذب پنجاه درصد از نیروی انسانی استان در کلیه پروژه های پارس جنوبی گذرانده، اما غفلت کلیه مدیران استان از هموار نمودن زمینه های اجرایی آن، عمداً فرصت بی نظیر برای توسعه استان را از دست می دهد.

یکی از نکات روشن این مصوبه به الزام پروژه های گوناگون پارس جنوبی به آموزش نیروی کار استان است اما در هنگامی که متولیان استان کمترین تلاشی برای ایجاد سازوکار عملی اجرای این مصوبه انجام نمی دهند به نظر می رسد جامعه نباید به همین آسانی از کنار این فرصت بگذرد و این بهترین امکان توسعه استان را از دست بدهد.

هر چند در این مدت ده ساله از آغاز پروژه های گوناگون طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی، برخی از جوانان آگاه و آینده نگر استان با چشم پوشی از نعمت درکنار خانواده خود بودن، سعی کردند با آگاهی دادن به جامعه زمینه های توسعه استان را در مردم و مسئولان ایجاد نمایند، اما عملاً در هنگامه بی توجهی مردم و مسئولان به فرصت عظیم پارس جنوبی، دستاورد چندانی عادی استان نگردیده است.

اکنون هنگامی است که اگر مردم استان از فرصتهای عدیده پارس جنوبی برای توسعه متوازن استان بهره لازم را نبرند، آیندگان و نسلهای بعدی هیچگاه از امروز و آنان که در این روزها عهده دار مسئولیت هایی دراستان بوده اند به نیکی یاد نخواهند کرد و چه بسا تبعات فرصت سوزی امروز دامن نسلهای بعدی استان را هرگز رها نکند.

مهندس حمید پورحیدر عضو هیئت مدیره نظام مهندسی ساختمان بوشهر:

در دوره پنجم شاهد ایجاد محورهای جدید در فعالیتهای نظام مهندسی خواهیم بود



- در این دوره شاهد مشارکت گسترده مهندسان در انتخابات هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان در بوشهر بودیم، این مشارکت را چگونه ارزیابی می کنید؟

- در ابتدای امر کمال قدردانی را از جامعه مهندسین استان و شهرستان به واسطه مشارکت حداکثری و حضور با درایت آن ها که منجر به انتخاب اینجاب و اکثر اعضای هیئت مدیره فعلی (دوره چهارم) که کاندیدای دوره جدید نیز بودند، شد تشکر می نمایم و این حسن اعتماد و رضایت عزیزان را ارج می نهیم. مشارکت عزیزان در انتخابات این مفهوم را متجلی ساخته اند که می توان با اتکاء به خردگرایی جمعی بر مشکلات فائق آمد و پیوندی ناگسستنی بین امر توسعه و مشارکت رقم زد. در این دوره نیز در جهت اهداف متعال سازمان، فعالیتهایی به صورت شفاف در محورهای مختلف صورت گرفته مانند نظارت بهتر و کنترل دقیق و فنی ساختمان ها، تعامل با دستگاه های مرتبط مختلف، رفاه مهندسان، عدالت در توزیع نظارت و غیره که این حمایت در دوره پنجم به لطف خدا و مشارکت فکری همه مهندسین، افزایش و با شتاب و پهنه بیشتری تداوم می یابد، و علاوه بر تقویت فعالیت های مثبت گذشته، محورهای جدیدی برای هیئت مدیره جدید با توجه به خواسته های مهندسین و جامعه ایجاد می کنیم.

- آیا برنامه های جدیدی در دوره جدید هیئت مدیره نظام مهندسی دارید؟

- قطعا در دوره پنجم شاهد ایجاد محورهای جدید که به درخواست جامعه مهندسین می باشد و تقویت محورهای گذشته خواهیم بود. به طور مثال ترویج تقویت فرهنگ ساخت و ساز متناسب با مقررات ملی ساختمان، تأمین موجبات رشد و اعتلای مهندسان، تقویت خدمات رفاهی، فرهنگی و ورزشی، اجرایی نمودن قانونی مهندسین مجری ذیصلاح ، توسعه نمایندگی های استان جهت خدمات بیشتر در عرصه های نظارت، رفاه و غیره به عزیزان در شهرستان ها، تقویت نمایندگی های فعال، کنترل دقیق تر نظارت ساختمان ها در استان و شهرستان ها، کلاس های توجیهی و نکات نظارتی برای مهندسان تازه وارد، تعامل بیشتر و ارتباط با مسئولین پارس جنوبی و شمالی جهت تبادل و چگونگی خدمات مهندسی.

- برای تقویت ساخت و ساز فنی در بین اقشار مختلف مردم و بالابردن سطح آگاهی آن ها چه برنامه هایی دارید؟

- اولین قدم اعتماد بین مردم و مهندسین می باشد که به لطف خدا با عملکرد خوب جامعه مهندسی و عزیزان در امر نظارت و ساخت و ساز این مهم اتفاق افتاده است و دومین قدم همان طور که معتقدیم آگاهی مردم از وضعیت ساخت و ساز از جمله حقوق آنان می باشد که مهندسین عزیز در امر نظارت این مهم را برای شهروندان محترم میسر می سازند تا با همکاری یکدیگر شاهد ساخت و ساز فنی و اصولی باشیم. در دوره چهارم هیئت مدیره، چندین مصاحبه رادیویی در این زمینه انجام شده است، امید است که انشاءالله بتوان در هیئت مدیره پنجم با تعامل بیشتر با رسانه های مختلف مانند صدا و سیما، مطبوعات ، تهیه بروشورهای مختلف این فرهنگ مهم تقویت و ارتقاء یابد.

- برای بالا بردن و به هنگام سازی وضعیت علمی مهندسی در بوشهر چه دوره های آموزشی برگزار شد؟

- هیئت مدیره چهارم با توجه به بخشنامه های متعدد در ارتقاء سطوح مهندسان بخش آموزشی بسیار فعال عمل نمود و با توجه به نیاز مهندسان و آیین نامه های جدید سرفصل هایی جهت تدریس از مدرک مطرح شد که مرکز آموزش در قالب یک کمیته کلاس های متعدد و زیادی را برای ارتقاء این عزیزان برگزار نمود که این کلاس ها با توجه به رشته های مختلف، متفاوت برگزار گردید به طور مثال برای رشته عمران ۸۶۰ ساعت، رشته برق ۱۴۰ ساعت رشته معادل ۱۷۴ ساعت و رشته مکانیک ۱۵۰ ساعت کلاس برگزار شد و جمعا ۱۲۵۰ نفر مهندس در سطوح مختلف پس از آزمون های مختلف ارتقاء یافتند. ضمنا ۶ مورد سمینار نیز به طور جداگانه برگزار گردید.

- در این دوره چه برنامه هایی دارید؟

- قطعا در این دوره نیز با توجه به درخواست مهندسان، کلاس ها و سمینارهای جدیدی برگزار خواهد شد. با توجه به ارتباط کمیته آموزشی با موسسه های آموزشی، دانشگاه ها، مرکز تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی کلاس ها و سمینارهای جدید با توجه به صنعت جدید ساخت و ساز و نرم افزارهای موجود برگزار خواهد شد. برنامه دیگر ایجاد تورهای علمی در نمایشگاه های داخلی و خارجی می باشد که در چند سال اخیر تورهای داخلی مانند تهران، کیش و خارجی نمایشگاه BIG ۵ دوبی با یارانه ای که در اختیار مهندسان قرار می گیرد برگزار شده است که در این نیز این مهم پابرجا و تقویت خواهد شد.

مصاحبه با عبدالخالق ماجدی معاون اجرایی خدمات شهری شهرداری بوشهر:

پاکبانان، همیشه طلبکار هستند

پاکبانان بوشهر در اعتراض به عدم حقوق خود، دو روز دست از کار کشیدند و اعتصاب نمودند. در همین خصوص در هفته گذشته، گزارش و مصاحبه ای داشتیم و این هفته نیز این موضوع را با معاون اجرایی خدمات شهری شهرداری بوشهر، مطرح کرده ایم که در زیر می خوانید:



- دلیل اعتراض پاکبانان طی هفته گذشته چه بود؟

- به دلیل حقوق عقب افتاده حقوق، پاکبانان دست به اعتراض زدند. البته از سالیان گذشته کارگران خدمات شهری ۲ حقوق عقب افتاده داشته اند ولی در عین حال ماهیانه پرداختی داشته اند و حقوقشان به صورت ماهیانه پرداخت می شد.

- یعنی پاکبانان علی رغم اینکه پرداختی داشته اند اما همیشه طلبکار بوده اند؟

- بله، همیشه طلبکار هستند و ماهیانه هم پول دریافت می کنند.

- از ابتدای شروع بکار شرکت جنوب ساحل کیان، کارگران چند حقوق دریافت کرده اند؟

- پیمانکار جدید از تاریخ ۸۷/۹/۱ شروع بکار کرد و از آن زمان تا کنون مطالبات پاکبانان را به صورت منظم پرداخت شده، با این وجود این سوال برای ما بوجود آمد که دلیل بروز این مشکل چیست به همین دلیل استعلام هایی را از بانک سپه شعبه شهدا کردیم و نتیجه این شد که در تاریخ های ۸۷/۱۱/۹ ، ۸۷/۱۱/۲۱ ، ۸۷/۱۲/۱۷ ، ۸۷/۱۲/۲۸ ، ۸۷/۱۲/۳۰ ، ۸۸/۱/۲۳ ، ۸۸/۲/۶ و ۸۸/۳/۲۶ واریزی هایی از جانب پیمانکار به حساب پاکبانان صورت گرفته بود.

- یعنی از ابتدای شروع کار این شرکت که حدود هفت ماه از آن می گذرد، مطالبات ۸ ماه پاکبانان پرداخت شده است؟

- از ابتدای شروع کار این شرکت ۸ فیش واریزی داشته است که حقوق پاکبانان در برخی از موارد در دو نوبت پرداخت شده است.

- در جلسه شورای شهر پیمانکار شرکت اشاره داشت که موارد مشکوک و پشت پرده ای وجود دارد که آن را مطرح خواهد کرد. منظور ایشان از موارد پشت پرده چه بوده است؟

- در جلسات متعددی که با ما داشتند به موارد مشکوکی اشاره ای نکردند و اگر هم ایشان در شورای شهر چنین چیزی را مطرح کردند باید از خودشان پرسید.

- با توجه به اینکه شرکت مذکور به مدت ۵ سال با شهرداری بوشهر قراردادی منعقد کرده فکر نمی کنید انعقاد این قرارداد در آینده دچار مشکل کند با توجه به اینکه در این برهه از زمان با مشکل مالی مواجه شده است؟

- انعقاد این قرارداد دلایل فنی دارد و بر روی آن کار کارشناسی شده است و به مدت ۶ ماه بر روی آن کار شده است و این قرارداد یکی از بهترین قراردادهایی ست که در حال حاضر در کل کشور انجام شده است چرا که هدف شهرداری های کشور این است که در جهت قراردادهای بلند مدت گام بردارند.

- دلایل انعقاد این قرارداد ۵ ساله چه بود؟

- یکی از موارد این است که اگر قرار داد یکساله باشد پیمانکار بعد از گذشت یکسال بکار مسلط می شود و در این مدت اضطراب خاصی بکار وارد می کند، اما اگر قرارداد بلند تر باشد به این معناست که یکسال را کار کرده و تجربه خوبی بدست آورده و با آشنایی که نسبت به شهر پیدا کرده می تواند در سالهای بعد بهتر و مفیدتر کار کند اما موضوع اصلی برای عقد قرارداد بلند مدت این بود که به ازای این قرارداد پیمانکار را مکلف به سرمایه گذاری و مکانیزاسیون ماشین آلات خدمات شهری به میزان یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان کرده ایم.

- آیا پیش از این چنین کاری صورت نمی گرفت؟

- مشکلی که پیش از این با آن مواجه بودیم این بود که نمی توانستیم به سراغ نوسازی ماشین آلات برویم و باید قراردادی منعقد می کردیم که در مقابل، پیمانکار اهداف ما را برآورده کند که این سرمایه گذاری بعد از گذشت چیزی حدود ۷ ماه به ۹۰۰ میلیون تومان رسیده یعنی کار در این مدت کار نوسازی ماشین آلات و مکانیزاسیون را انجام داده. از دیگر مزایای انعقاد این قرارداد این است که با انعقاد قرارداد جدید میزان پرداخت صورت وضعیت ما تغییر



کرده و به نسبت زمانی که قرارداد یک ساله ای را منعقد می کردیم کاهش پیدا کرده است یعنی در سه بخش جمع آوری زباله، تنظیف و لایروبی کاهش پیدا کرده است چرا که وقتی قراردادی بلند مدت است برای پیمانکار حاشیه امنیتی ایجاد می کند در نتیجه میزان نرخ هم باید پایین تر باشد.

- با این تفاصیل به نظر می رسد که از این به بعد در شهرداری باید شاهد انعقاد قراردادهای بلند مدت باشیم؟

- ماهیت موضوع با قراردادهای دیگر متفاوت است؛ قرارداد پسماند موضوع ویژه ای ست چون بر روی مسائل خاص زباله حساسیت ویژه ای وجود دارد در این میان بحث سرمایه گذاری ست و با پروژه های عمرانی متفاوت است. ماهیت خدمات شهری بحثی ست که باید خدمات را با کیفیت و در حداقل زمان ممکن و با کاهش قیمت بتوان انجام داد. یعنی شهروندان با توجه به مشارکتی که دارند انتظار دارند که در بحث جمع آوری زباله به صورت ویژه موضوع را دنبال کنیم.

- آیا شهرداری از عملکرد هفت ماهه شرکت جنوب ساحل کیان راضی ست؟

- شرکت جنوب ساحل کیان از جمله شرکت های مقید نسبت به رعایت طبقه بندی مشاغل کارگران می باشد و دقیقاً هر کارگر با توجه به ماهیت کارش در یک گروه شغلی قرار می گیرد. این شرکت بر روی این موضوع اهتمام ویژه ای دارد و در دادن حقوق کارگران به نسبت پیمانکاران دیگر مقید تر است. این شرکت در جمع آوری زباله نقش ویژه ای داشته. چون شرکت منضبطی است و روابط کار و مسائل ایمنی را به صورت جدی دنبال می کند. این شرکت به وسایل ایمنی، لباس خاص کارگر و چهره کارگر حساسیت ویژه ای دارد ضمن اینکه اولین شرکت بومی در استان بوشهر است که در بخش خدمات شهری مشغول کار است و از شرکت های توانمند در سطح شهرداری های کشور می باشد و بر اساس شاخص، سرمایه شرکت و ماشین آلاتی که دارد در موضوع پسماند وضعیت مناسبی دارد.

(در خصوص همین موضوع در صدد بودیم تا با نیکو پیمانکار شرکت جنوب ساحل کیان نیز گفت و گویی انجام دهیم اما وی تمایلی به انجام گفت و گو نداشت.)

تیغ

دکتر سید جعفر حمیدی



قطره ها می چکد از قافیه ها بر سر تیغ
می شود قافیه در قافیه هم بستر تیغ
لعل را قطره ای از خون جگر ساخته اند
می شود لعل به هر قافیه، جان پرور تیغ
پرچم قافیه در کوچه ی مستان زده اند
می رود قافیه هر صبح و پسین بر در تیغ
این چنین بوده که در راه چپ اندر چپ شعر
سال ها قافیه پرواز شده دلبر تیغ
کوره ها سوخت ز صد اخگر دل هر شب و روز
تا خورد قافیه صد لطمه زآهنگر تیغ
نازنینان سخن فتنه گری ها کردند
تا شود قافیه در حجله ی لب، همسر تیغ
باز با بار گران می رود این حامل عشق
گرچه ره می برد این قافیه ها بر سر تیغ
شهریور ۸۷

دلتنگی آئینه ها

سید محمد رضا هاشمی زاده



ما به آئینه ی دل سنگ تو را کم نزدیم
سوختیم از غم هجران تو و دم نزدیم
سینه هامان نشد از درد شقایق بـــاران
تا دم از جلوه ی عشق تو به عالم نزدیم
تا بیایی شبی ای ماه به مهمانیمان
حرفی از وسعت شبهای پر از غم نزدیم
بی گـل روی تو افسوس که درغربت خویش
شاخه ای گل زمحبت به سر هم نزدیم
در زلال نفست آه ... چه بی شرمانه
هم زدیم ازغم عشق تو دم و هم نزدیم
ادعایی است به دریای تو پیوند زدن
دل به دریای شما قدر مسلم نزدیم

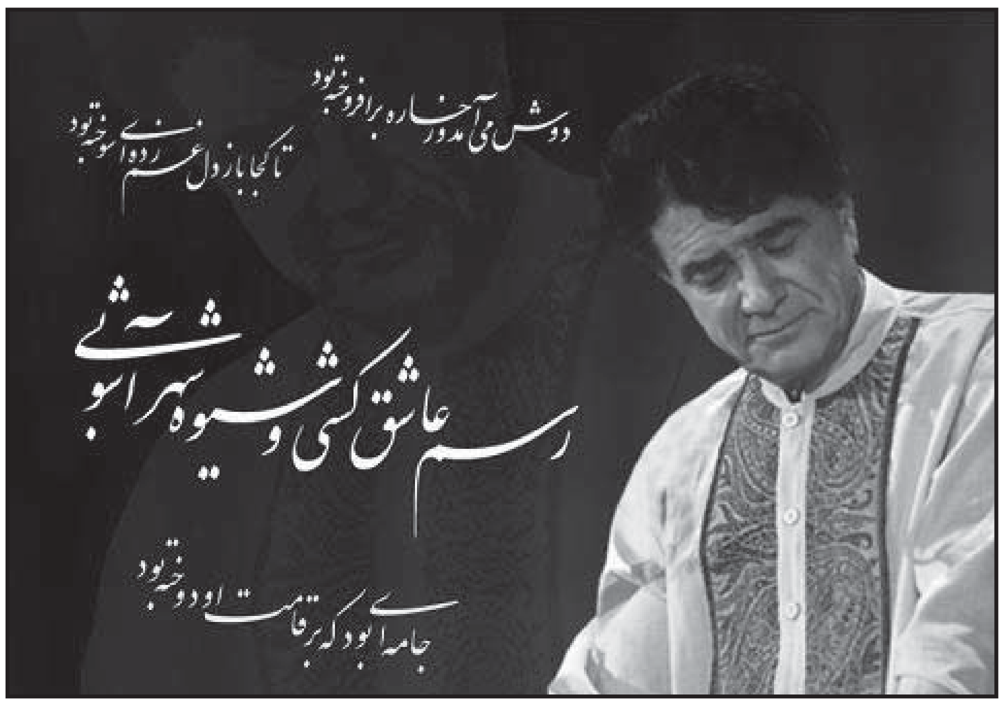
هم...در قافیه بیت چهارم به معنی همدیگر است

شجریان؛ ماهورِ جان و شورِ آسمان نگاه

*** حماسه ی حق پرست**



پیش درآمد:
وقتی صدا و سیمای کشوری که از سر اتفاق، عنوان بالا بلند «رسانه ی ملی»! را با خود یدک می کشد، با بزرگان فرهنگ و هنر ایران زمین به گونه ای رفتار می کند که همواره در تناقض و ضدیت محض با آن عنوان پرمایه و پرمغز باشد و در همین راستا نیز هیچ وقعی بر باورهای ملی، خواسته های فرهنگی، ایمان مذهبی و تعلقات خاطر مردمان آن جغرافیا و نیز حقوق ملی مخاطبان آثار هنرمندان نمی گذارد و با یکسویه نگری وخودکامگی تنها چند مسوول پشت میز نشین بیگانه با مقوله ی هنر (در اینجا موسیقی)، کمر به حذف چهره ها و آثار گران بهایشان می بندد، دیگر چه انتظار و چه توقعی از سایر مردمانِ میهنی توان داشت که غرق در روزمرگی ها و پیچ و خم های بی پایان زندگی خویشند و میدان حوصله شان سخت تنگ است و مجال خیالشان بی امان؟!!!
آن چه که امروز پیرامون اعتراض استاد محمد رضا شجریان، روی داده است تنها و تنها تاسف و افسوس اهل اندیشه و هنر را بر انگیخته است که چه سان می توان با بزرگمرد دنیای موسیقی ایران زمین که در طول همه ی سال های فعالیتش ملی ترین چهره ی هنر و فرهنگ این مرز و بوم بوده است و همواره بر این مدعا پای فشرده است و با داد و دلهره ی مردم عزیز میهنش همآواز و همگام شده است، این گونه رفتار نمود و بی خیال تر از همیشه و به شیوه ای که دال بر لاابالی گری و بی مسوولیتی است بر روندی که منجر به تضییع حقوق ملی ملت است ریشخند زد و با به بیراهه کشاندن آن جریان، در نخ نماترین صورت ممکن خود، درخواست آن استاد نازنین را که بر احقاق حقوق حقه ی خود دلالت دارد، اتهام وطن فروشی را در سرمقاله ی روزنامه صبح و عصر نشاند و با انگ و انگشت ناموزون کیهان ، ناکجاآباد جهانی یکسر پوشالی را نشانه گرفت؟!!! و در واژگونه نمودن داستانِ راستان، محمدرضا شجریان را وطن فروش خطاب کرد!
بد نیست جهتِ یادآوری و تطبیق آموزه های دینی با واقعیات دنیوی که بر راستی و صدق گفتار آدمیان هزاران حدیث و روایت با خود به همراه دارد و در مذمت دروغ و بی انصافی بندگان خروارها حکایت در خورجین خود تل انبار نموده است، به استحضار آقایان کیهان مدار با داعیه ی حب وطن رسانده شود که همین استاد بزرگ آواز ایران زمین، برای بم و پیامدهای دلخراش و روزهای تلخ آن زمین لرزه و مردمان مهربان و گران قدر بم، کنسرتی عظیم و منحصر به فرد را تدارک دید و برای مردم وطنش اشک ها ریخت و یاد هنرمند بزرگ بم، جاودان یاد ایرج بسطامی را با ساخت و احداث باغ هنر بم همواره تر نمود...
به راستی مگر معنای وطن دوسنی و مردم وطن را دوست داشت چه می تواند باشد وقتی هنرمندی چون شجریان، همیشه و هماره خود را خاک پای مردم ایران زمین می خواند و به حرمت ندای آزادیخواهی آن ملت بزرگ و بی همتا، مرغ سحر را حسن ختام رسمی همه ی کنسرت ها نموده است و همان مردم مهربان وطنش را نیز هم به همآوازی با خویش دعوت می کند؟
به راستی مگر ارادت به وطن و احترام به مردمان وطن چیست آن گاه که در نگاهی عارفانه و بی ریا و تزویر معنای ماه رمضان و تاویل موسیقایی اش همان ربنای استاد شجریان است به وقت سحر و افطار. و باز مگر آرام جان روزه دار و بی روزه چیست در آن هنگام جز شنیدن مثنوی افشاری تکرارناشدنی استاد شجریان که یکسره شور است و سماع است و خلسه است تا بنده ی خسته و ملول از کارزار جهان، دمی به خلوت خویش بازگردد؟
باری،مسوولین!!! صدا و سیمای جمهوری اسلامی، در صدور فرمانی جسورانه گویا، مردم وطن را از شنیدن ربنا و مثنوی محروم نموده اند و تنبه استاد را بدین گونه تشخیص داده اند! در صورتی که محمدرضا شجریان همواره پخش ربنا را به پاس حرمت باورهای مذهبی مردمان وطن روا دانسته بود و در پی نامه های اعتراض آمیز خود به روسای وقت آن سازمان پخش آن دعا را از سایر آثار موسیقایی جدا دانسته بود. به هر روی شیوه و شکل برخورد آن سازمان با هنرمندی چنین عریز و وطن دوست به هیچ وجه از ذهن و یاد و خاطر مردم وطن و خیل مشتاقان آن استاد بی بدیل پاک نخواهد شد، چه آواز شجریان بزرگ، ماهور جان آن ها و شور آسمان نگاهشان گشته است برای همیشه ی تاریخ ...



گفت و گو با داریوش غریب‌زاده برنده‌ی شاهین طلایی جشنواره‌ی فیلم تونس:

خیلی سرمان پایین است!

فیلم بومرنگ شاهین طلایی بهترین فیلم کوتاه داستانی جشنواره فیلم کوتاه فیفاک ۲۰۰۹ در کشور تونس را به خود اختصاص داد. در این جشنواره که تنها دو فیلم از کشور ایران راه یافته بود، فیلم بومرنگ به عنوان نماینده کشور ایران اسلامی مقام اول را کسب کرد و شاهین طلایی جشنواره را دریافت کرد. فیلم هایی از کشورهای روسیه و تونس مقام های دوم و سوم این جشنواره را به ترتیب از آن خود کردند. فیلم بومرنگ با کسب مقام نخست جشنواره تونس سیزدهمین جایزه بین المللی را از آن خود کرده است. به همین مناسبت گفتگویی با داریوش غریب زاده کارگردان این فیلم کرده ایم که در زیر می خوانید:
– ضمن تبریک به خاطر کسب شاهین طلایی جشنواره‌ی فیلم کشور تونس، خواهشمندم توضیحاتی در مورد این جشنواره و اختصاص جایزه‌ی شاهین طلایی برای فیلم «بومرنگ» بیان فرمایید.
– این جشنواره را به نام اختصاری "فیفاک" می‌شناسند. در این جشنواره در بخش بین‌الملل «بومرنگ» اول شد و فیلم‌هایی از روسیه و تونس به ترتیب مقام‌های دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. این جشنواره خاص فیلم‌های کوتاه داستانی و مستند است. در مورد حضور فیلم «بومرنگ» در این جشنواره باید بگویم که در واقع این فیلم را خود جشنواره انتخاب کرده و نمایش داده بود و من خودم اصلاً در جریان نبودم و از طریق سفارتخانه باخبر شدم که این فیلم در جشنواره پذیرفته شده است. یعنی خود جشنواره فیلم را دیده و پذیرفته بود.
– از چه طریقی این پذیرش صورت گرفته بود؟
– به احتمال زیاد فکر می‌کنم فیلم را از یونیکا گرفته باشند، چون دست‌اندرکاران جشنواره اعضای یونیکا هستند. تقریباً دوشنبه‌ی گذشته بود که اطلاع پیدا کردم اختتامیه‌ی جشنواره است و جالب این‌که خبر موفقیت فیلم را هم نشنیدم و خودم دو روز بعد از اختتامیه که وارد اینترنت شدم، دیدم که فیلم «بومرنگ» جایزه‌ی اول را به خود اختصاص داده است!



– دو روز بعد از اختتامیه آن هم از طریق اینترنت؟! خوب این بیشتر به طنز شبیه است. آیا عجیب نیست که خود کارگردان در اختتامیه‌ی جشنواره حضور ندارد؟ چرا امکانی فراهم نمی‌آید تا کارگردان بتواند در جشنواره حضور داشته باشد؟
– من دیگر واقعاً حوصله‌ی این چیزها را ندارم که اصلاً بخواهم در مورد آن فکر کنم و یا اعتراض کنم و چیزی بگویم! همین‌جوری‌ست دیگر. مثلاً آن جایگاهی که ورزشکاران دارند، هیچ‌گاه هنرمندان ندارند، اگر بنده ورزشکار بودم این وضعیت پیش نمی‌آمد، چون خودم باید آن‌جا می‌بودم تا پینگ‌پنگ بازی می‌کردم، ولی در مورد فیلم این‌گونه نیست. فیلم «بومرنگ» تا حالا فکر کنم ۱۳ جایزه‌ی بین‌المللی گرفته که از این ۱۳ جایزه حدود ۹ جایزه در جشنواره‌های خارج از کشور بوده، ولی من خودم رنگ هیچ‌کدام از این جشنواره‌ها و اختتامیه‌ها را ندیده‌ام!
– خدا کند حداقل رنگ جایزه‌ها را دیده باشی!
– بله، جایزه‌ها به دستم می‌رسد.
– باز هم جای شکرش باقی‌ست! خوب، رمز موفقیت فیلم‌هایتان را در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی در چه چیزی می‌دانید؟
– فکر می‌کنم اکثر مخاطبین نشریه فیلم‌های مرا دیده باشند، من سعی کرده‌ام در فیلم‌هایم مفهومی جهانی را در قالبی بومی ارایه دهم.



– قول معروف گارسیا مارکز: "هر چه بومی‌تر، جهانی‌تر"!
– دقیقاً. نکته‌ی مثبت دیگر این است که فیلم‌هایم اکثراً فاقد دیالوگ می‌باشند و یک عکس هستند که همه‌ی مردم دنیا یک‌جور آن را می‌بینند و فیلم‌ها به زبان تصویرند، یعنی یک حس مشترک در تمام مردم دنیا را بر می‌انگیزند.
– اگر بخواهی یک انتقاد از خودت و فیلمت داشته باشی، چه چیزی را عنوان می کنی؟
– ضعف‌ها خیلی زیاد هستند. فیلم که خیلی اشکال و ایراد دارد که الان جای گفتنش نیست و باید همزمان با نمایش فیلم به شکل عملی گفت، ولی مهم‌ترین انتقادی که از نظر هنری به خودم و خیلی از بوشهری‌ها دارم این است که خیلی سرمان پایین است و این اصلاً خوب نیست! ما گوشه‌ای می‌نشینیم و چیزی نمی‌گوییم. حق و حقوقت را باید به دست آوری و بگیری. مثلاً همین بحث حضور در اختتامیه و جشنواره که مطرح شد، اگر هنرمندی از اقلیمی دیگر بود، اگر فیلمش در دو جشنواره جایزه می‌گرفت، حداقل در یکی از این جشنواره‌ها حضور می‌یافت. من حتا می‌گویم که هزینه‌ی رفت و برگشت به کشور برگزار کننده‌ی جشنواره را هم از جیب خودم می‌دهم اما، باز هم...!!
– از آینده بگوییم؛ چه کارهایی در دست تهیه و ساخت دارید؟
– همچنان مشغول تدوین فیلم مستند «مدرسه‌ی کالو» هستم. مدرسه‌ی کالو که همه‌ی بوشهری‌ها باید اسم آن را به عنوان کوچک‌ترین مدرسه‌ی دنیا شنیده باشند. حدود دو سال است که مشغول همین مستند هستم و امیدوارم طی همین ماه‌های اخیر آماده شود. همچنین فیلم داستانی هم با نام «جزر و مد» دارم که آن هم مهرماه کلید خواهد خورد.
– کلام آخر...!
– هیچی! دیگر حرفی برای کسی باقی نمانده است!

سوژه در عکاسی

***محمود صادقی**

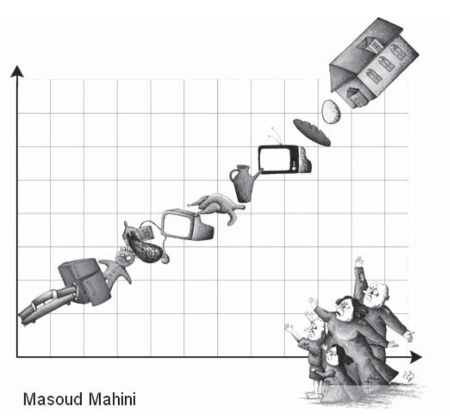


چه سوژه هایی در عکا سی مهم است، عکاس در ا نتخا ب سوژه به چه نکاتی باید توجه کند؟ در پاسخ به این سوال، به طور خلاصه باید گفت برای به وجود آوردن یک عکس خوب، عواملی زیاد دخالت دارند که قبل از زدن شاتر باید آن ها را در نظر گرفت چرا که بعد از گرفتن عکس، بسیاری از نقایص موجود آن را نمی توان با هیچ نرم افزاری اصلاح و حذف کرد. ما برای عکس گرفتن به ۳ عنصر نیاز داریم:
۱- دروبین عکاسی۲- سوژه ۳- نور، بدون نور عکاسی به صورتی که ما آن را درک می کنیم وجود ندارد و ما باید فن درست دیدن و درست استفاده کردن از تصویر و پیام های بصری را یاد بگیریم. البته یادگیری آن، انسان را به یک هنرمند تبدیل نمی کند ولی لزوم آن در زمان حاضر روز به روز برای عده ای بیشتر مطرح می شود. هر نقش، طرح یا تصویری به هر صورت متشکل از یک سلسله عناصر تصویری اولیه است. منظورم کاغذ، رنگ، فیلم و ... نیست. عناصر اولیه بصری محدود و معین هستند. مثل نقطه، خط، شکل، جهت، سایه، روشن یا رنگمایه، رنگ، بافت، بعد، مقیاس و حرکت که این عناصر ماده ی خام تمام اخبار بصری هستند و به شکل های مختلف با هم ترکیب و تلفیق می شوند. انتصاب این عناصر و نوع به کارگیری آن ها و طرز تلفیق با یکدیگر است که کلیت کادر را می سازد. عکاس باید خطوط را بشناسد. بداند خطوط افقی، عمودی، مورب، منحنی، شکسته و زاویه دار چه معنی و مفهومی دارند. بداند کادر افقی – عمودی – مربع و ... دارای چه معنایی می باشند. شناخت از رنگ های گرم و سرد داشته باشد. به عنوان مثال گاهی مواقع می شود که بافت سوژه برای ما مهم می باشد. مثلا سطح یک برگ یا تنه درخت، در این گونه مواقع باید جهتی که نور به سوژه می تابد درست باشد تا بافت آن در عکس برجسته شود. نور در این گونه مواقع باید از کنار به سوژه بتابد تا با ایجاد سایه بر روی سوژه، موجب تشخیص بافت برای بیننده شود. تمامی این عوامل باعث می شود تا عکاس صرف زیبا دیدن سوژه ای، دست به دوربین نبرد و بدون مطالعه عکاسی نکند. ولی اگر شما داشتن پایه عکاسی را با خلاقیت فکری، مسایل تکنیکی و علوم زیباشناسی هنری ترکیب کنید در آن صورت دارای دید شخصی در هنر عکاسی خواهید بود و می توانید به جای گرفتن عکس هایی از محیط، تصاویر بی نظیری را خلق کنید.

"طراحی از دیرباز تا امروز" در حوزه هنری بوشهر

به گزارش روابط عمومی: اولین نشست کارگاهی هنرهای تجسمی حوزه هنری استان بوشهر بصورت تخصصی با حضور استادان، هنرجویان و علاقمندان این رشته برگزار گردید. این کارگاه با هدف معرفی هنرمندان رشته های مختلف هنرهای تجسمی ایران و جهان و همچنین نقد و بررسی آثار هنرمندان استان، در اولین نشست خود با عنوان "طراحی از دیرباز تا امروز" و با تدریس هنرمند جوان هم استانی "فاطمه ایران زاد" آغاز به فعالیت نمود. در این جلسات علاوه بر مباحث فوق برگزاری دوره های تاریخ هنر توسط اساتید مهمان نیز انجام خواهد شد. کارگاه فوق به همت واحد هنرهای تجسمی در سالن جلسات حوزه هنری استان برگزار گردید.

کاریکاتور مسعود ماهینی در نمایشگاه جشنواره بین المللی کارتون ایتالیا



ایران کارتون: گالری آثار راه یافته به نمایشگاه جشنواره بین المللی کارتون ساتیرا ایتالیا با موضوع "بحران جهانی" ارائه شده است.
گفتنی است از ایران آثار هنرمندانی چون محمود نظری، مریم سلیمی، مسعود ماهینی، محمد کارگر، محمدصالح رزم حسینی و سعید صادقی به این نمایشگاه راه یافته است.
مسعود ماهینی کاریکاتوریست بوشهری قبل از این نیز نمایشگایی از آثار خود را در بوشهر به نمایش گذاشته و همچنین آثاری از وی در جشنواره های مختلف کشوری و بین المللی به نمایش درآمده است.

با مخالفت فرماندار بوشهر:

لغو نخستین کنسرت موسیقی تلفیقی گروه مروارید لیان در بوشهر

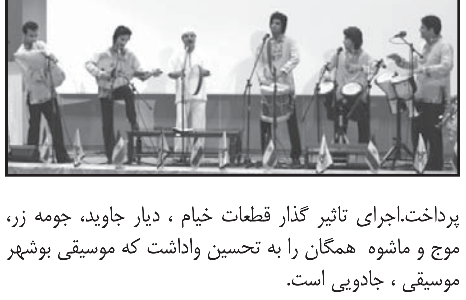
گروه موسیقی لیان برای نخستین بار قصد داشت با حضوری متفاوت در بوشهر به روی صحنه برود. هر چند قبل تر شاهد اجراهای تلفیقی توسط هنرمندان بوشهری با گروه های داخلی و خارجی نیز بودیم ولی این نخستین بار بود که در بوشهر یک اجرای تلفیقی با دعوت از دو نوازنده ی برتر سازهای کوبه ای، همایون نصیری و بهنام ابطحی اجرا می شد. این کنسرت قرار



بود به مناسبت نیمه شعبان در تاریخ ۱۶مرداد در سالن جدید التاسیس و روباز کنار دریای خلیج فارس شود اما چند ساعت قبل از اجرا، بدلیل مخالفت سرهنگ پورکبگانی فرماندار بوشهر این کنسرت لغو شد.
مدیر برنامه های گروه موسیقی لیان ضمن اعلام این خبر گفت: «فرماندار بوشهر اجازه ی برگزاری کنسرت موسیقی گروه را نداده اند، هر چند که ایشان پیش از این نیز بعضی از اجراهای این گروه را لغو کرده اند و ایشان به دلایل شخصی و اعتقادی خاص خودشان همواره به مخالفت با موسیقی قومی بوشهر پرداخته است و تمایل چندانی به برگزاری کنسرت موسیقی محلی ندارند.»
ماکان صغیری در ادامه بیان داشت: «این نوع کنسرت برای نخستین بار بود که در بوشهر برگزار میشد و گروه لیان و آقای شریفیان قرار بود این بار نیز بدعت گذار نوع متفاوتی از موسیقی در بوشهر باشند که متاسفانه این اجرا انجام نشد.»
وی گفت: «به طور قطع سلیقه ای عملکردن بعضی از مسئولان باعث می شود تا تامین منابع مالی هنرمندان به خطر بیافتد چرا که تنها راه درآمد اکثر هنرمندان از طریق اجراهایشان می باشد و با لغو کردن چنین اجراهایی ضررهای سنگینی دچار هنرمندان خواهد شد.» صغیری در خاتمه گفت: «ما برای اجرا در این شب از آقایان همایون نصیری و بهنام ابطحی دو نوازنده تهرانی دعوت کرده بودیم.»

اجرای گروه دیار برای خانواده صنعت نفت در بوشهر

شرکت گاز استان بوشهر در ابتکاری جدید با همکاری شرکت نفت فلات قاره در بوشهر جشن مشترکی به مناسبت نیمه شعبان در استان بوشهر برگزار کردند .
در این مراسم که پرسنل شرکتهای گاز و نفت با خانواده حضور داشتند، گروه موسیقی دیار به سرپرستی و خوانندگی غلامرضا وزّان و به دعوت از تهیه کننده این مراسم به اجرای قطعات زیبا و جذابی از ساخته های جدید خود و موسیقی محفلی بوشهر



پرداخت.اجرای تاثیر گذار قطعات خیام ، دیار جاوید، جومه زر، موج و ماشوه همگان را به تحسین واداشت که موسیقی بوشهر موسیقی ، جادویی است.
نوازندگی نوازندگان سازهای ضربی گروه دیار متفاوت از همیشه با حال و هوایی جدید صدای نی انبان و عود را رویایی تر از گذشته در اذهان تدائی می کرد.
صدای زیبا و مخملی غلامرضا وزّان و معرفی آوازهای محلی (بیدگونی / رجز و..) در قطعات اجرایی گروه دیار بسیار تحسین برانگیز بود.
غلامرضا دمان آهنگساز و تنظیم کننده قطعات گروه دیار می گوید: مهمترین هدف گروه دیار ،علاوه بر معرفی موسیقی بوشهر نوآوری بر پایه سنت است.
اعضاء گروه دیار شامل محسن نوشزاد، حسین و ناصر کاوه خو، حسین دریس زاده و حسین مقاتلی در این اجرا بودند.
شایان ذکر است در این مراسم هنرمندان خوش صدای هم استانی، امیر گوهرشناس و حسین کشتکار بوشهری هم مداحی و قطعات ارکسترال جالبی برای مدعوین این مراسم اجرا کردند.

اتوبوسرانی بوشهر؛ تکریم یا تحقیر مسافر؟

*** ابوالحسن گنخکی**



گرچه سازمان اتوبوسرانی شهرداری بندر بوشهر یکی از مهم ترین دستگاه های خدمت رسانی به مردم به شمار می رود و بنا به گفته رئیس آن، روزانه حدود ۷۰ هزار نفر مسافر را در شهر و مناطق اطراف جابجا می کند اما جایگاه تکریم ارباب رجوع در آن چندان مورد عنایت جدی قرار نمی گیرد.

به عبارت دیگر رفتار سازمان و پرسنل آن با مردم ترکیبی از تکریم و تحقیر مسافر است. در ذیل، ضمن ذکر برخی اقدامات مثبت مدیریت سازمان به چند نمونه از رفتارهای نامناسب با مسافرین نیز اشاره می شود.

در بعد سخت افزاری، تأمین امکانات سرمایشی حتا به صورت محدود در ایستگاه های اصلی و ایجاد سایبان در برخی استگاه های فرعی، برای رفاه مسافران شایسته تقدیر است. تلاش برای افزایش خودروهای دارای سیستم سرمایشی و افزایش تعداد خودروهای درون خطوط انتقال مسافر باعث افزایش استقبال از سیستم اتوبوسرانی شده است، اما رفتار برخی رانندگان نیز قابل اغماض نیست. درست است که به دلیل حجم بالای کار و مشکلات اقتصادی سازمان که به کارکنان منتقل می شود، رانندگان دارای فشار عصبی و ناراحتی می شوند و به قول خودشان اعصاب ندارند، اما این مشکلات هیچ دلیلی برای بی احترامی به مسافر نمی شود. برای نمونه در ایستگاه مرکزی



مسیرهای سریع السیر، کنترل چی ها با عجله بلیط ها را گرفته و به راننده دستور بستن درب خودرو و حرکت می دهند. در حالی که برخی از مسافران در حال خرید بلیط هستند و یا کامل سوار نشده اند. بویژه زنانی که فرزندان خردسال خود را درون خودرو گذاشته و خود در صف خرید بلیط ایستاده اند. رانندگان به دلیل آنچه چک شدن بلیط ها می دانند از پذیرش مسافر جدید خودداری می کنند. حرف های تند رد و بدل شده میان مسافران مانده در پشت درهای بسته خودروی آماده حرکت و رانندگان باعث اعتراض و فریاد دیگر مسافران می شود اما معمولاً در چنین حالتی رانندگان بر موضع خویش پافشاری کرده و با وجودی که در ترافیک ایستگاه مرکزی امکان سوار کردن مسافران مانده وجود دارد، خودداری می کنند.

بارها مشاهده شده است که دویدن مسافرین بویژه زنان به دنبال اتوبوس در حال حرکت در ایستگاه مرکزی و یا ایستاده در ترافیک داخل ایستگاه، صحنه های رقت باری را ایجاد کرده است. در مسیرهای عادی نیز مشخص نیست زمان تحویل بلیط به راننده قبل از سوار شدن است یا هنگام پیاده شدن. نظرات رانندگان با قواعد اتوبوسرانی نیز متفاوت است. در کنار درب ورودی بیشتر اتوبوس ها نوشته قبل از سوار شدن بلیط خود را آماده کنید اما برخی رانندگان نظرات خود را بر قواعد سازمان ارجح می دارند. برای نمونه در ایستگاه میدان امام الزاماً هنگام سوار شدن باید به راننده بلیط تحویل داد اما این موضوع در دیگر ایستگاه ها به نظر شخصی راننده بستگی دارد. اختلاف نظر و درگیری ها بیشتر میان رانندگان و مسافرانی که از درب دوم اتوبوس سوار می شوند رخ می دهد. چرا که در زمان سوار شدن از درب اول راننده می تواند از مسافر جدیدش بلیط بگیرد اما برخی رانندگان درب دوم خودرو را زمانی برای مسافران جدید که اغلب خانم ها هستند، باز می کنند که آنها به درب اول آمده و بلیط خود را تحویل دهند. این درگیری ها اغلب منجر به حرف های تند و ناشایست برخی رانندگان عصبانی به مردم و تحقیر آنها می شود.

طبق پیگیری های صورت گرفته ظاهراً از آنجا که سازمان اتوبوسرانی زیر مجموعه شهرداری بوشهر فعالیت می کند، به صورت مستقیم در حوزه طرح سنجش تکریم ارباب رجوع هم قرار نمی گیرد. شایسته است مدیریت سازمان اتوبوسرانی ضمن تداوم تلاش های خود برای تأمین امکانات سخت افزاری، نگاه ویژه ای نیز به جایگاه تکریم مسافران خود داشته باشند.

نامه نماینده کنگان، دیر و جم:

اجازه ندهید بیش از این حقوق مردم تضییع شود

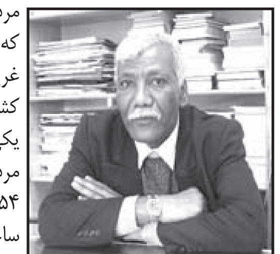
برادر گرامی جناب آقای مهندس شفقت
استاندار محترم استان بوشهر

سلام علیکم؛ احتراماً مستحضرید که اشتغال یکی از دغدغه های جدی مدیران و آحاد مردم عزیز استان بوشهراست. ضمن تشکر از اهتمام خاص حضرتعالی در این خصوص، به اطلاع می رساند علیرغم تأکید مجددی که در صورتجلسه ۸۷/۱۱/۱۴ در محل استانداری بوشهر مبنی بر ضرورت اجراء مصوبه ۳۴۵۱۲۷۸۵۸۵ مورخ ۸۴/۱۱/۲۹ هیأت محترم وزیران گردیده است متأسفانه هر روز بیش از پیش شاهد نادیده گرفتن مصوبه مذکور در سطح استان خاصه در پارس جنوبی و زیر مجموعه های مربوطه می باشیم. شاهد این مدعا آمار رسمی است که در گزارش ۲۴۱۰/د مورخ ۸۸/۴/۷ سازمان کار و امور اجتماعی استان منعکس گردیده است. البته حجم مطالبات و مکاتبات دریافتی از ناحیه مردم نگران کننده تر می باشد. همانطور که واقف هستید ظرفیتهای اشتغال در هر سطح استان حق طبیعی مردم همان استان است و با تصریح مصوبه مذکور مبنی بر ۵۰درصد ظرفیت اشتغال به نیروی بومی بنظر می رسد این حق مردم به خوبی تبیین و تشریح شده است و اکنون سیستم اجرایی باید آن را اجراء نماید. از حضرتعالی درخواست اکید دارد به عنوان نماینده ارشد دولت در استان، تیمی جهت اجرایی نمودن این مصوبه هیأت محترم دولت تعیین گردد و اجازه نفرمائید خارج از مصوبات و دستورالعمل ها اقدامی صورت پذیرد و بیش از این حقوق مردم تضییع شود.

با سپاس- عسکر جلالیان - نماینده مردم شریف دیر، کنگان و جم

خاطراتی از مرداد

*** خورشید فقیه**



مرداد ماه هرسال که میشود، حس غریبی مرا می کشاند به شبِ یکی از روزهای مردادماه سال ۵۴ شیراز وآن ساختمان لعنتی و مرموزی که پشت زندان تازه موزه شده ی کریمخان زند قرار داشت و نام منحوسش "کمیته مشترک ضد خرابکاری" بود. و عجیب آن که تمام لحظه های آن شب و همه ی حوادث و حرف و حدیث هایی که شاهدش بوده ام نیز نعل به نعل و با تصویری روشن ، برایم تداعی میشوند، انگار که تازه اتفاق افتاده باشند، آنهم نه به آن گونه ای که فقط یادآوری و تکرار خاطره ای باشد. سپس، آن زمان و مکان در ذهنم کِش می آید و خودش را میرساند به بهمن ماه سال ۵۷ و کوچه ی باریک و دالان مانندی که خیابان زند شیراز را متصل میکرد به ساختمان پُر رمز و رازتر و مخوف تری که هیچگونه تابلویی نداشت ولی اکثرا میدانستند اداره ای حکومتی بنام "ساواک" است، همان کوچه ی وهم آلودی که در آن دیدم چگونه مردم خشمگین شیراز در یکی از روزهای بهمن ماه ۵۷، طنابی را انداخته بودند به گردن بازجوی بی رحم ومعروفی که نام جعلی اش "آرمان" بود.

نمیدانم این حرف از کیست، ولی هرکسی که گفته باشد، چه عالمانه بر زبان رانده است : " پیشینه های عمری که سپری کرده ایم، هیچ چیزی هم که درخور گفتن و نوشتن نداشته باشد، سرشار ازعبرت ها ودرس هایی است که در هیچ مکتب و مدرسه ای قابل فراگیری نیستند" . و درس بزرگی که من درآن مقطع زمانی، از این عمر گذران خویش آموختم، این بود که : فردای عمله های ظلم ، چقدر تاریک و دهشتناک است!!

حدود ساعت ۱۲شبِ یکی از روزهای همان مرداد ماه کذایی بود که با شنیدن چند ضربه ی آرام بر در از درون بسته شده ی اتاق یکی از مسافرخانه های شیراز، سراسیمه از خواب برخاستم تا لحظاتی بعد خود را در وحله ی نخست روبروی مرد به ظاهر متشخص و آراسته ای ببینم که برجستگی یک کلت را میشد در همان لحظه ی اول از زیر کُتش مشاهده کرد. سپس شاهد جستجوی همه جای آن اتاقک کوچک ولای تشک و بالش و پتو و ساک کوچکی که فقط چند تکه لباس مچاله شده را درخود داشت شدم که بوسیله ی همراهان آن مرد صورت میگرفت، مردی که بعدها فهمیدم همان " آرمان" معروف است که بر کمیته ضد خرابکاری شیراز ریاست داشت. آنگاه در معیت چند پاسبان و لباس شخصی هایی که معلومم بود سر در کدام آخور دارند، چشم بسته وارد ساختمان تو در تویی شدم. بمجرد ورود، بازجویی شرع شد و مطابق مرسوم، از آن ها اصرار و از بنده هم انکار، و مابقی قضایا که دیگر نیازی به تکرار ندارد. اما در برابر سئوالات بعضا عجیب و غریبشان که بیشتر تلاش برای گرفتن اعتراف به گناه از سوی من بود و گاهی با خشونت و زمانی با مهربانی صورت میگرفت، دلم میخواست از آن مقدار جرات و شهامت برخوردار می بودم تا به آنان بگویم: «چه چیزی را از من ناچیز می طلبید؟! گیرم که من هم مثل بسیاری ازفرزندان قهرمان این ملت، جرات کنم و بالصراحه بگویم که من مخالف شما و دشمن شخص اول این مملکت هستم و شما هم به اعتبار همین یک جمله اعتراف، با من آن کنید که تا کنون با هزاران تن از افراد این ملت کرده اید، آیا مشکل عمیق وریشه دار حکومت حل میشود!؟ و یا آن گونه که خود می پندارید، عمراقتدار و زورگویی تان جاویدان خواهد ماند!؟ هر روز و هرسال همین بساط را دارید، میگیرید، بازجویی و محاکمه می کنید وبه زندان می اندازید ومی کُشید واین دور تسلسل را ادامه میدهید، بی آن که سال بعد، از میزان و حجم این بازی ها کاسته شود! تازه کم که نمیشود هیچ، افزون تر هم میگردد!! آیا فکر نمیکنید " کرم از خودِ درخت است"!؟»

اما افسوس که نه من شهامت بیان چنین سخنانی را داشتم و نه آنان ازعمر رفته ی خود و قرن هایی که بر تاریخ این مملکت و جهان گذشته است درس عبرتی آموخته و یا می آموختند.

بالاخره آن شب و شب ها و روزهای دیگر گذشت و این ناتوان را نیز ظاهرا به آنچه که میخواستند تسلیم کردند و قضایا هم مطابق معمول آن سال ها پیش رفت، و رفت و رفت تا بالاخره ۲۲ بهمن ماه ۵۷ فرا رسید و قدرت لایزال حکومت وتخت و تاج شاهی که قرار بود بر خلاف نظم ونظام طبیعت، "جاوید" باشد و مستدام، مثل یک بادکنک بسیار بزرگ و رنگارنگی، از فراز این مملکت و با فرونشستن نیش سوزن خشم و اراده ی این ملت بزرگ، ترکید و به نابودی کشیده شد و بازهم مثل شش هزار سال پیش از این، بازهم فقط ملت ایران ماند و کشور ایران.

پس از این حادثه، خیلی دوست داشتم که حداقل یکی از آن بازجوها را که اتفاقا دست به شکنجه کردنش هم بد نبود میدیدم. البته نه برای آن که انتقام بگیرم - کما اینکه پس از انقلاب نیز از سر تقصیر برخی ازعمله های ظلم که ازآنان شکایت کرده بودم نیز گذشتم - بلکه میخواستم از زبان خود آن ها بشنوم که : چرا چنان میکردند ودر ذهن و ضمیرشان چه میگذشته است وقتی که یکی از آحاد این ملت را که هموطن او بودند و درد مشترک وی نیز به حساب می آمدند، به جرم اعتراض به عملکردهای حکومت که حق انکار ناپذیر هر ملتی است، شکنجه میداده اند وجسم روحش را می آزرده اند؟! دست بر قضا و دو سه سال بعد و در همان شیراز، یک روز وقتی که میخواستم وارد یکی از زایشگاه های آن شهر که همسرم در آن بستری بود بشوم، متوجه توقف یک تاکسی و راننده آن شدم که برای برداشتن بسته ی یکی از مسافرانش از صندوق عقب ماشین، ازآن پیاده شد. بنظرم آشنا آمد. دقیقتر که شدم شناختمش: شخصی بود با نام مستعار "پیمان" و بازجوی من در بوشهر. او را با همان نام مستعارش صدا کردم. مرا که دید، بیچاره آن چنان ترسید و جا خورد و به لرزه افتاد که فکر کردم همین حالاست که بر زمین بیفتد. با لبخندی بر لب بطرفش رفتم و دوستانه احوالش را پرسیدم. باورش نمیشد. خیال کرده بود که لابد من هم بعد از انقلاب صاحب جاه و مقامی شده ام و قدرت و فرصتی یافته ام تا از او انتقام بگیرم. ولی وقتی که درهمان زمان کوتاه به او فهماندم که از عجایب روزگار، فعلا سرنوشت تقریبا مشترکی پیدا کرده ایم، قوت قلبی گرفت و به اصرارش پذیرفتم که شب را در یکی از رستوران ها میهمانش باشم. و در همان جا بود که متوجه شدم آن فلک زده، خودش هم هنوز نمیداند چرا آن گونه عمل میکرده است!! البته آنطور که میگفت حقوق و دستمزدش نسبت به مدرک تحصیلی وسوابق خدمتی اش، بسیار بالا بوده و راه کسب هرنوع درآمد نامشروع وغیر قانونی دیگر هم برایش میسر و مفتوح. و از همه مهمتر اینکه پیوسته دستخوش نوعی احساس خود برتر بینی نسبت به دیگران نیز بوده است. ولی تا آخرین لحظاتی که شاه چمدانش را بسته و با چشم گریان ازمملکت فرار کرده بود هم نمیتوانسته باور کند که قدرتی با آن همه عظمت و نیروهای نظامی و انتظامی مسلح و مطیع و مجهز وآن فوج عظیم چاپلوسان و مداحان و دستگاه های تبلیغاتی، بعد از چند ماه به خیابان ریختن مردمی بدون سلاح و فقط با قدرت همبستگی ملی و شعار الله اکبر، به این راحتی سقوط کند. ضمن آن که به لحاظ روانی، عاطفی و شخصیتی نیز آن چنان در حاکمیت مستحیل شده بوده – یا اینکه چنین به روزش آورده بودند– که گمان میکرده بدون وجود حکومت شاه او برای یک روز هم قادر به ادامه زندگی نخواهد بود!!

بعدها که شنیدم "پیمان" بعلت پناه بردن افراطی به مواد مخدر و شرایط نا به سامان مالی و روانی از دنیا رفته است، باورکنید شدیدا دلم برایش سوخت! نه تنها برای او بلکه برای تمامی هم صنفان و همکاران او درتمام ممالک استبداد زده ی عالم. میدانیم که این بخت برگشته ها، قربانیانی بودند که نادانسته و تحت تلقینات و شرایطی ویژه، فدایی مستبدانی شده وبه حکم ضرورت وطبیعتِ همان راهکارهای استبدادی شان، چند صباحی بیشتر دوام نیاورده ولو آنکه با بیرحمانه ترین شیوه ها با ملت های خویش برخورد کنند. برای نمونه، وقتی تاریخ هشتاد ساله ی کشور همسایه خودمان – عراق – را ورق میزنیم، صحت این موضوع عینیت بیشتری می یابد: زمانی که استعمارگران غربی و در پایان جنگ جهانی اول، سرزمین امروزی عراق را از امپراتوری عثمانی منتزع کردند و با به سلطنت نشاندن ملک فیصل اول، این ناحیه را تبدیل به یک کشور به ظاهر مستقل نمودند، شاه به قدرت رسیده، فوری و به مقتضای حکومت استبدادی اش و با جمع آوری و سازماندهی آدمهای معتمدی نظیر همان "پیمان" و "آرمان" خودمان، تشکیلاتی به ظاهر امنیتی واطلاعاتی برای کشور و در باطن برای حفاظت از نظام و رژیم حاکم بوجود آورد و به سرکوب ناراضیان داخلی پرداخت. چند سال بعد که ملک فیصل دوم، نوه ی همان فیصل اولی، در یک کودتای نظامی سرنگون شد ویک ژنرال ارتشی بنام عبدالکریم قاسم با اعلام جمهوریت بر مسند قدرت تکیه زد، بازهم همین جماعت ابله بودند که قربانی تسویه حساب های سیاسی شدند تا این بارعبدالکریم قاسم بتواند با اجیر کردن گروهی دیگر، موسسه ای مشابه، اما خاص خود و با آدم های مورد اطمینانش را سامان دهد. چند صباحی بعد، عبدالکریم قاسم با کودتای ژنرال دیگری بنام عبدالسلام عارف ساقط شد، سپس این یکی نیز با کودتای احمد حسن البکر عمرش پایان گرفت، ودست آخرصدام حسین تکریتی به همان شیوه به حکومت رسید. و در تمامی این دور باطل، گروه گروه از آدم هایی که انگار هنر و تخصص شان فقط سخن چینی، جاسوسی، بازجویی و شکنجه هموطنان خود بود، در سازمان "استخبارات" متعددی که در هر دوره ای شکل میگرفت بکار گمارده میشدند و بعد از مدتی به مسلخ و بر چوبه های دار و زندان گسیل می گردیدند و یا اگر شانسی بدست میامد مجبور به فرار از زادگاه خویش میشدند، همان گونه که عوامل " گشتاپو" در آلمان هیتلری، ماموران سازمان های اطلاعاتی – امنیتی در کشورهای اقماری شوروی سابق، اجیر شدگان سازمان مخوف اطلاعاتی ژنرال " پینوشه" در شیلی، "سالازار" در کشور پرتقال، ژنرال "فرانکو" در اسپانیا و... جملگی محکوم به پذیرش همان سرنوشت های تلخ و عبرت آموز شدند.

به راستی که این دور تسلسل، تا چه زمانی در دنیا ادامه خواهد یافت وچه تعداد دیگری از ابنا بشر را به قربانگاه های خود ساخته خواهد کشاند!؟

آن روزها کجا رفتند؟



محمود دهقانی – استرالیا: شنیده ام به دلیل گرد و غبار پراکنده در هوا که همه زیر سر عربستان و افریقا و زنجیر تانک های امریکا و شخم زدن خاورمیانه بویژه عراق و افغانستان است، این گرد و غبار حسابی دخل بوشهر و کازرون و شیراز را در آورده. باز شنیدم وزارت بهداشت به همین دلیل گرد و غبار هوا را مثل آب و برق جیره بندی کرده و توصیه کرده اند که نباید نفس کشید....

کاش کمی از نرگس زار می نوشتی. کاش از شاپور و طرف های سید حسین و نارنجستان های باحال. دلم از دنیا و مافیها سیاه است. هواپیماهامون که هر روز می افتند. قطارهامون که به هم می خورند. تریلی هامون که هیجده هیجده میلیارد دولار بار می کنند و می برند کشورهای برادر و مسلمانی مثل ترکیه. موتور سوارامون که ناشیند.

از بهار بگو، از نرگس زار، از دریاچه پریشان و مرغ های مهاجری که مثل من کولی اند و یک جا دوام نمی آورند و پرواز می کنند. از عطر نارنج های دوران کودکی من در نزدیکی جدول های کنار خیابون و مدرسه شاپور بگو که هنوز آنها را حس می کنم. از بوی جگرکی حسن جیگرکی که سر خیرات می پراکند و من نق نق کنان از مادرم جیگر می خواستم.

از بوی نسترن پالوده و بستنی بچگی هایم بگو که رفتند و دیگر مثل عمر بر باد رفته ام بر نخواهند گشت. گاراژ فتوت بود، گاراژ ممسنی، گاراژ موحد و من و مسافرت های تا ممسنی یا بوشهر و یا شیرازم بود که خدا می داند چه پری در می آوردم. هواپیما چی بود. روی بار ماشین های انترناش دماغ دار بالای صندوق های تماته آخ ببخشید گوجه فرنگی می نشستم و مثل یک پرستو ی بی قرار باد به صورتم می خورد و آب بینی ام سرازیر بود و چون ماشین سرعت داشت جرات پاک کردن آب بینی را نداشتم و آخ ای خدای من آن روزها کجا رفتند؟ نارنجستان من، نرگس زار من، کوه و کتل های من....... و اصلا خود من کجا رفتند؟ به قول لورکا: آه دیوار سپید اسپانیا / آه ورزای سیاه رنج.....

آغاز فصل فروش میگو با کاهش خرید مردم:

ماهی و میگو از آنِ بازار، آه و ناله از آنِ مردم

*** بهاره عالی پور**

چند روزی است که از زمان صید ماهی و میگوی تابستان ۸۸ می گذرد، به نظر می رسد بازار ماهی فروشان دوباره رونق دیگری گرفته است اما ظاهرا مردم به خصوص قشر کارمند و بازنشسته جامعه چندان خوشحال به نظر نمی رسند، چون قدرت خریدشان کفایت خرید اندک کیلویی ماهی یا میگوی تازه از آب کشیده را دارد، که شاید کفاف وعده های ناچیز سفره عیال بار آنها را داشته باشد.

ظاهرا بازار ماهی فروشان، تابستان ۸۸ را هم مانند تابستان های گذشته می گذراند چرا که شهروندان بوشهری با گذشتن از کنار ماهی ها و میگوهای درشت و توقف در کنار ماهی ها و میگوهای کوچک جیب خود را خالی کرده تا کیلویی از این نعمت دریایی که در نزدیکی منازلشان به صورت وافر یافت می شود را بر سر سفره خانواده ببرند.



این روزها مردم بوشهر تنها شاهد میگوهای تازه صید شده ای هستند که قیمت های ۵۵۰۰، ۵۶۰۰، ۵۷۰۰، ۵۸۰۰ و یا ۱۲۰۰۰ تومانی را با خودشان یدک می کشند.

گرچه ماهی فروشان صید امسال ماهی و میگو را بهتر از پارسال می دانند اما مردم شاکی تر از سال گذشته هستند.

مردم عامل گرانی میگو هستند

میگو فروشی که میگو را کیلویی ۵۸۰۰ می فروخت، هم افزایش قیمت و کاهش خرید مردم را تایید می کرد.

او که بیشتر به گوینده ای که قیمتی را بیان کند شباهت داشت تا فروشنده می گفت: «به جای اینکه قیمت ها پایین تر بیاید روز به روز بالاتر می رود و به نظر من خود مردم مقصر هستند چون مردم هستند که بر سر اسکله ها هجوم می آورند و خرید می کنند و باعث گرانی قیمت ها می شوند در صورتی که اگر خرید نمی کردند میگوها با همان قیمت اولیه به بازار می رسید و مردم می توانستند آن را با قیمت ارزان تری بخرند.»

او میگو را با قیمت ۵۳۰۰ تومان از اسکله خریده بود و حالا آن را در بازار ماهی فروشان با قیمت ۵۸۰۰ به مردم می فروخت.

بی انصافی ست که میگو را ببینی اما نتوانی بخری

مقصودی یکی از بازنشستگانی بود که تقریباً قیمت تمام بازار را پرسیده بود و فقط سر تکان می داد و ناراحت از آن بود که نمی تواند میگوی زیادی را برای خانواده خود بخرد.

او می گفت: «واقعاً بی انصافی ست که میگو را ببینی اما نتوانی آن را بخری؛ این ظلم بزرگی در حق مردم بوشهر است، مردمی که شاید قدرت خرید یک کیلو میگوی ۵۸۰۰ هم نداشته باشند.»

او به نمایندگی از جامعه بازنشستگان می گوید: «هر سال قیمت ها بالا می رود و هیچ کس هم نیست که جلوی آن را بگیرد؛ انگار هیچ نظارتی بر روی قیمت ها صورت نمی گیرد.»

وی افزود: «تقاضای ما از مسئولین این است که بر روی قیمتها نظارت داشته باشند تا مردم هم بتوانند خرید کنند.»

مردمی که توان خرید یک کیلو میگو را ندارند چکار باید بکنند؟

وحدتیان هم یکی از کارمندان بوشهری ست. او هم ناراضی از وضعیت موجود و می گوید: «اگر یک کیلو میگوی ۵۸۰۰ تومانی بخریم شاید ۴۰۰ گرم و حتی کمتر گوشت خالص داشته باشد که به اندازه یک وعده ناهار هم نمی شود. کاری بر سرمان آورده اند که یا مجبوریم چشمانمان را ببندیم و چیزی نخریم و یا اینکه ۲۴ ساعته کار کنیم تا بتوانیم لقمه نانی برای خانواده مان بدست بیاوریم.»

وی افزود: «شاید من بتوانم حداکثر چند کیلو میگو بخرم اما همه که پول ندارند. دولت برای مردم چه فکری کرده است؟ مردمی که توان خرید یک کیلو میگو را ندارند چکار باید بکنند؟»

پول نداریم و نمی توانیم میگو بخریم

دیدن و شنیدن حرفهای یکی از بوشهری ها دل هر کسی را به درد می آورد. او که در طول مدت شاهد گفت و گوی من با دیگر بوشهری ها بود تا آخرین لحظه چیزی نگفت اما بعد با عنوان یک تشبیه وضعیت بد اقتصادی خود و دیگر مردم بوشهر را ترسیم کرد.

او می گفت: «کار ما به جایی رسیده که با آغاز صید میگو مثل گربه ای که بو می کشد، بوی ماهی و میگوی تازه صید شده را حس کنیم و از بازار بیرون می آییم چون کار دیگری جز این نمی توانیم انجام دهیم.»

او که در این شرایط نامطلوب اقتصادی مثل هر پدر و سرپرست خانواده ای، از احساس شرمندگی در مقابل فرزندانش رنج می برد می گفت: «چرا اجازه می دهند یک و یا چندین پدر در مقابل فرزندانش قرار گیرد و در این میان هیچ احساسی جز شرمندگی بین آنها رد و بدل نشود چرا اینقدر شرایط را سخت کرده اند که حتی نمی توانم مقدار کمی ماهی یا میگو به خانه ببرم؛ ما پول نداریم و نمی توانیم میگو بخریم.»

رها کردن مردم با گرانی میگو

یکی دیگر از شهروندان بنام شجاعی می گفت: «چطور است که به محض صید بی شمار ماهی و میگو آن را به شهرهای شمالی و یا کشورهای دیگر صادر می کنند و تنها مردم را با مقدار کمی از آن و گرانی بیش از حد رها می کنند؟ چرا کسی به این موضوع رسیدگی نمی کند؟ دریا و ماهی و میگو متعلق به مردم است اما برای خرید آن ناله شان سر به فلک می کشد.»

حرف مردم بر سر این است که با وجود سفره عظیم دریایی که در استان بوشهر پهن شده چرا نمی توانند لقمه کوچکی از آن را بردارند. مردم همچنان منتظرند تا به حالشان فکری شود هر چند بی توجهی دیگران را همواره بر سر خود می بینند.

این روزها مردم ماهی و میگوهای بسیاری می بینند که برایشان چشمک می زنند اما از بد روزگار باید چشمانشان را ببندند.

رنجی که پدران ومادران ما کشیدند (۵)

نمای شهر بوشهر در ۶۰ سال پیش

گوشه ای از چهل سال تاریخ معاصرجنوب ایران
«مروری بر وضعیت اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی بندر بوشهر با استناد به سفر نامه ها،خاطرات وگزارشات دولتی»

*** زرتشت دوانی**



در شماره قبل درباره سفرنامه محمود دانشور در فاصله سالهای ۱۳۲۴الی ۱۳۲۵ تحت عنوان «دیدینی ها و شنیدنیهای ایران» و سفرش به بوشهر نوشتیم. در این شماره ادامه این سفرنامه را می آوریم:

«در بهمنی محلی است که به امام زاد معروف و زارعین بوسیله حفر چاههای ایجاد آب نموده و سبزیجات و میوه جات و غلات میکارند، مصرف سبزیجات شهر نیز از همین محل تامین می شود. کشت و زرع غلات در بوشهر فقط تابع چگونگی هوا و باریدن باران است. چنانچه سالی به اصطلاح کشاورزان خوب باشد یعنی باران به حد کافی ببارد، کشت و زرع نسبتا خوب و تا اندازه ای خوراک اهالی را تامین میکند و الا خشک سالی و قحطی دامنگیر مردم شده و سال نامیمون و بدی خواهد بود. به علت همین کم آبی است که مردم مجبورند در فصل زمستان که باران می بارد (اگر ببارد) آب باران را در مخزنهای سر بسته و بزرگ به اسم برکه ذخیره کنند و چنانچه سالی باران نبارد و بارش به اندازه کافی نباشد تابستان آن سال را مردم از لحاظ بی آبی کاملا در مضیقه خواهند بود.

یکی از محصولات بوشهر خرمای آنست که در بوشهر کم ولی در توابع آن مثل دشتی و دشتستان بسیار زیاد و چنانچه توجهی در این باره بشود می توان هر ساله مقدار متنابهی نیز به دیگر نقاط ایران ارسال داشت. غیر از این دو، شهر محصول قابل ذکری ندارد و فقط ماهی را می توان نام برد که عده ای از ساکنین که در دو محل جفره و هلیله سکونت دارند برای مصرف داخلی صید می کنند.

یکی از مشخصات اکثر اهالی بوشهر یک چشم بودن آنهاست زیرا به هر فردی نگاه کنید می بینید که یا یک چشم چپ است یا کور و بطور کلی کمتر فردی را می توان پیدا کرد که دو چشمش سالم باشد.

لباس اغلب کسبه و پیرمردان بر اثر نزدیکی به هندوستان شبیه به افراد هندی است که از یک قبای دراز و زیر شلوار سفید و کلاهی شبیه به عرقچین تشکیل می شود. کفش های پایشان اغلب نعلین است که محصول هندوستان بوده و یا کفش های حصیری است که به آن چیت می گویند.

اکثر این عده بعد از تریاک و عرق مبتلا به کشیدن قلیان بوده و مانند هندوستانی ها در مغازه های خود چهار زانو روی زمین یا سکوی درب دکان نشسته و قلیانی که دارای نی بلندی است، بدست داشته و مشغول کشیدن و گاه فروختن و صحبت کردن با همقطارهای خود می باشند.

حمام این شهر عموما خزانه دار و آب آنهم از آب دریاست که شور است. روی این اصل صابون در این شهر بر خلاف سایر نقاط مصرفی ندارد و اگر شخص ناشی مانند من به حمام های اینجا برود سرش را صابون بزند فوری موهایش مانند سریشم و مثل چوب خشک میشود.

سد این شهر با اینکه مبلغ زیادی برای تعمیر و مرمت آن گرفته شده اما وضعیتش طوری است که بزودی بقیه بوشهر را هم به نابودی و خرابی خواهد کشید مگر آنکه فکر اساسی برای مرمت آن به عمل آید و بودجه های لازم بدست اشخاص مطمئن به منظور هزینه آن سپرده شود.

این بندر دو جاده ساحلی دارد که یکی به آبادان و دیگری به بندر لنگه میرود ولی اتومبیل رو نبوده و الاغ روست. عبور و مرور در تابستان در آن خطوط بی نهایت دشوار و در زمستان هم در صورت آمدن باران بسختی انجام میگیرد و از طرفی فواصل بین دهات مسیر راه بی اندازه زیاد و احتمال خطر برای مسافرین میرود. یک راه هم به شیراز دارد که جاده اش شوسه و اتومبیل ها رفت و آمد میکند این جاده تا شیراز در حدود ۴۹ فرسنگ است که از شهرهای برازجان و کازرون عبور می کند.

یک راه دیگری هم ممکن است به شیراز تسطیح شود و آن از دشتی است که پس از عبور از دشتی به فیروز آباد خواهد رسید و از فیروز آباد هم جاده شوسه تا خود شیراز موجود می باشد.

اغلب منازل که روزی زیبا و باعث آبادانی شهر بوده در اثر باد و باران رو به ویرانی نهاده و به علت بی توجهی و عدم علاقه صاحبان آنها به ویرانه هایی تبدیل یافته اند.

مغازه ها و حجره هایی که مدت ده دوازده سال قبل مرکز اجتماع طبقه ممتاز و تاجر ان شهر بوده امروز بی در و دربان مانده و محل سکونت سگهای ولگرد بی صاحب و افرادی که فاقد همه گونه وسائل هستند گردیده است.

..... امروز از وسائل تفریح که از لازمه زندگی افراد است از قبیل سینما و تاتر و غیره در بوشهر خبری نیست و محل اجتماع افراد باسواد هم که مایل بکسب اطلاعات و آگاهی از جریان امور هستند عصرها قرائت خانه ای است که از طرف انجمن فرهنگی ایران و انگلیس در بوشهر ایجاد شده و حقیقتا تنها جایی است که افراد تا حدی می توانند ساعتی را در آنجا با فراغ خاطر با یکدیگر صحبت کرده و اطلاعاتی از یکدیگر کسب کنند.

بوسلامه، روح همیشه سرگردان؟!

ریشه یابی تاریخی و لغوی بوسلامه در فرهنگ عامیانه مردم بوشهر

*** استاد محمد رضا بیات**



در باورهای ساکنین سواحل جنوبی ایران «بوسلامه» موجودی خیالی است که در بدو امر به نظر می رسد ساخته و پرداخته ی ذهن ملاحان، صیادان، دریانوردان و ساحل نشینان این دیار باشد. موجودی وحشتناک و کریه المنظر که همانند سایر هیولاهای دریایی دوزیست بوده و بر و بحر را عرصه ی شکار یا آزار و ایذاء انسان ها قرا داده است. او روزها را در دریا سپری می کند و شب ها به خشکی می آید و در طول ساحل پرسه می زند تا شاید آدم تنهایی را گیر بیاورد و با خود به قعر آب ببرد. یکی از شگردهای شکار بوسلامه که اغلب «خارگ نویسان» و «خلیج فارس نویسان» متفقا به آن اشاره کرده اند این است که این موجود دریایی گاه از عرشه ی کشتی ها بالا رفته و در تاریکی شب روی دماغه کشتی می نشیند و در یک فرصت مناسب، فریاد زنان خود را به آب می اندازد و ملوانی که هدایت شبانه ی کشتی را به عهده دارد، با این تصور که یکی از افراد کشتی به آب افتاده در دریا شیرجه می رود تا دوستش را از غرق شدن نجاتت دهد، اما بوسلامه او را گرفته و به زیر آب می برد. این همه ی آن چیزی است که ساحل نشینان ما، از قدیم الایام در مورد این عفریت دریایی می دانسته و به نسل های بعد انتقال داده اند.

اما به راستی بوسلامه چیست؟ کیست؟ و در پس ماجرای خصومت این موجود خیالی با آدم ها چه رازی نهفته است؟ وجه تسمیه این نام بی مسما «پدر تندرستی» چیست و سابقه ی ظهور چنین باوری در فرهنگ عامیانه ی مردم جنوب ایران تا چه ژرفایی از تاریخ می رسد؟ در نگاه اول این گونه به نظر می رسد که بوسلامه باید یک واژه ی عربی باشد. هر چند در ظاهر، چنین تصوری بایستی صحیح باشد، اما واقعیت چیز دیگری است. بوسلامه ترکیب دو واژه ی «بو» و «سلامه» است که از مشترکات گروه زبان های سامی شامل بابلی، آشوری، آرامی، سریانی، عبری، حبشی و عربی است. اصل این واژه به صورت «ابه شالومه» مأخوذ از زبان عبری باستان است و به همان معنای عربی «پدر تندرستی» است. ابه شالومه، که به صورت «ابشالوم» و «آب شالوم» نیز آمده نام یکی از فرزندان داوود پیامبر است.

همانگونه که نزدیکان سایر انبیاء در مقام ضدیت با پیامبر زمان خود برآمدند، پسر نوح با بدان بنشست، فرزندان یعقوب یوسف را به چاه انداختند، قابیل، هابیل را کشت، یهودای اسخر یوطی یار نزدیک و از حواریون عیسی مسیح در آخرین دیدار شبانه جایگاه او را به رومیان لو داد و ... ‹‹ابشالوم›› نیز یکی از همان هاست. در برابر تبلیغات پدر به ضدیت می پردازد و مردم را به پیروزی نکردن از داوود پیامبر تحریک می کند. او پدر را مردی جاه طلب می داند و در زمانی کوتاه گروهی از گمراهان را پیرامون خود جمع می کند. مردم شکوه نزد داوود می برند که ابشالوم جوانان ما را فریفته و از راه به در کرده، داوود حکم الهی را بر قضاوت پدرانه ی خویش ارجح می داند. حکم محارب صادر و ابشالوم واجب القتل می شود. در یک مبارزه ی رویاروی ابشالوم که تاب ایستادگی را در خود نمی بیند از صحنه می گریزد، مردم به تعقیب او می پردازند اما ابشالوم به دریا پناه برده و از نظرها پنهان می شود. او مدت مدیدی را در دریا سپری می کند و شب ها به خشکی می آید تا در بین زباله های ساحلی، از ته مانده ی غذایی که مردم برای سگ های ولگرد و مرغان دریایی در حاشیه ی ساحل ریخته اند ارتزاق کند. ابشالوم به مرور زمان به موجودی زشت، پلید و کریه المنظر تبدیل می شود. موهای سر و صورتش بلند شده و هنگام راه رفتن گیسویش به زمین کشیده می شود. عاقبت در یک شب مهتابی ساحل نشینان او را دیده و به کمک ‹‹ایوب›› به تعقیبش می پردازند. در این گریز شبانه موهای بلند ابشالوم پشت بوته ی خاری گیر کرده و به زمین می افتد. ایوب سر می رسد و با ضربات نیزه او را به قتل می رساند. بدین ترتیب داستان ابشالوم و قتل او به دست پیروان داوود، در اساطیر مذهبی و تاریخ قوم بنی اسرائیل ماندگار می شود. در تورات کتاب مقدس یهودیان نیز به این موضوع اشاره شده است.

تا این جا، روند ماجرای ابشالوم در بستر طبیعی تاریخ مثل همه رویدادهای تاریخی پذیرفتنی و قابل قبول است. اما قصه ی ‹‹بوسلامه›› از آن جا آغاز می شود که ماجرای ابشالوم از حیطه ی تاریخ پا فراتر گذاشته و وارد اسرائیلیت می شود. اسرائیلیات واژه ای مستقل است و در قاموس ها و فرهنگ نامه ها به مجموعه ی حکایات، روایات و احادیث ساختگی و مجعولی گفته می شود که قوم بنی اسرائیل ساخته و توسط کارگزاران و مأموران و میسیونرهای خود در بین اقوام، ملت ها و سرزمین های دیگر نشر می دادند تا با ایجاد مشترکات فرهنگی جعلی، هزاران سال بعد ابناء آنان بتوانند از این ریشه های فرهنگی سوء استفاده های سیاسی کنند. در این باور خرافی، هر چند جسم ابشالوم معدوم می شود، اما روح او روزها در میان دریا و شب ها در حاشیه ی سواحل، سرگردانی ابدی خود را آغاز می کند. روح کینه توز ابشالوم در کالبد یک موجود حلول می کند و از آن زمان تاکنون این روح سرگردان در پی فرصتی است تا از تک تک آدم ها انتقام بگیرد.

اعتقاد به وجود هیولایی دریایی با چنین ویژگی هایی به مرور زمان از طریق سادگی و خیال پردازی دریانوردانی که به کرانه های شرقی مدیترانه و بنادر صور و صیدا و شهرهای ساحلی آن دیار در رفت و آمد بودند، شمال و شرق آفریقا را در می نوردد و از مسیر دریای سرخ تا سواحل غربی و جنوبی شبه جزیره ی عربستان، ماداگاسکار، عدن، سواحل شرقی عربستان، تمامی خلیج فارس و سرزمین های واقع در حوزه ی شمالی اقیانوس هند منتشر می شود. طبق شواهد موجود نظیر چنین باورهای در میان ساحل نشینان همه ی خشکی های جهان رواج دارد و خاص ساکنین خلیج فارس نیست، با این تفاوت که ممکن است این شخصیت موهوم در هر نقطه از جهان با نام و ویژگی های ظاهری و رفتاری دیگری شناخته شود. اما مردم جزایر و بنادر شمالی و جنوبی خلیج فارس از قرن ها پیش این موجود تخیلی را با نام «سلامه» که معرب همان واژه «ابشالوم» است می شناسد.

آن چه گذشت، چکیده ی مطالب مختلف و متنوعی است که چه به صورت شفاهی و چه به شکل مکتوب در مورد ابشالوم و بوسلامه روایت شده که به احتمال زیاد، در طول زمان تحت تأثیر فرهنگ ها و تنوع روایات، از اعمال سلیقه ی راویان مصون نمانده ومی توان آن را ترکیبی از تاریخ، افسانه و خرافات قلمداد کرد. به هر حال ماجرای ابشالوم و روح همیشه سرگردانش از دو دریچه وارد فرهنگ عامیانه ساحل نشینان بوشهری و سایر مناطق این استان و استان های هم جوار شده. یکی در قالب همان موجود زشت رو، کینه توز، و انتقام جوی دریایی موسوم به بوسلامه که با توجه به ساختار این کلمه پیداست، از طریق اعراب و ویژگی های گویشی آنان دست خوش چنین تحریف و دگرگونی لغوی شده و دیگری در نامگذاری یک جانور کوچک دوزیست «آبزی – هوازی» که سری شبیه قورباغه، بدنی شبیه ماهی و دو دست شبیه دست انسان دارد. این ذوحیاتین که اغلب اوقات از دریا بیرون آمده و با کمک دست ها به حالت سینه خیز در طول ساحل پرسه می زند «گل خورک» نام دارد که در بوشهر و مناطق هم جوار تحت تأثیر ویژگی های ظاهری و نام ابشالوم، با قدری تغییر و جا به جایی حروف به «بشلمبو» معروف شده است.



بشلمبو، ساختار فیزکی بدن خود را از ماهی، دست ها را از انسان و چهره ی بد منظر خود را از قورباغه که نماد کراهت منظر است گرفته است. شاید چنین شباهتی همراه با رفتارهای خاص نظیر سرگردانی در ساحل، پناه بردن به سوراخ ها در صورت مشاهده ی انسان و زندگی خشکی – آبی – این جانور ریز نقش عاملی بوده که از قدیم اصطلاح بشلمبو «شاید ساده شده ی بچه ابشالوم» را به آن اطلاق کنند.

منابع:
۱– فرهنگ فارسی دکتر محمد معین . جلد ۵ «اعلام» زیر واژه ی ابشالوم.
۲– لغت نامه های دهخدا، عمید، دکتر معین و سایر فرهنگ های معتبر زیر واژه ی «اسرائیلیات» و «سامی».
۳– متن کامل برنامه های رادیویی « موج ها و گسارها» از صدای مرکز بوشهر در سال ۶۲ – ۱۳۶۱
۴– نامه های مطلعین و یادداشت های رسیده در پاسخ به یک فراخوان عمومی در سال ۱۳۶۲
۵– تحقیقات محلی نگارنده و گفت و گو با ساحل نشینان بوشهر، شیف و خارگ.

حسین طبیب نژاد موسس باشگاه دریانوردان بوشهر:

چیزی در دست نداریم که کارمان را شروع کنیم

– بفرمایید دومین دوره لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران از کجا شروع خواهد شد و آیا در خصوص کمیت تیم ها تغییر حاصل خواهد شد؟

– یکشنبه هفته گذشته در فدراسیون قرعه کشی دومین دوره لیگ برتر برگزار شد که در گروه ما دو تیم از استان خراسان، یک تیم از شهرکرد و یک تیم از ساری قرار گرفت و مسابقات قرار است بعد از ماه مبارک رمضان شروع شود.

– طبق معمول تیم دریانوردان از لحاظ مالی با مشکل مواجه است برای شرکت در لیگ برتر ساحلی امور مالی تیم بر وفق مراد است؟

– نه اصلا بر وفق مراد نیست فعلا که چیزی در دست نداریم که کارمان را شروع کنیم. با تربیت بدنی هم صحبت کرده ایم که دستمان خالی است و می دانند که ما بدون حمایت مالی آن ها قادر به شرکت در لیک برتر فوتبال ساحلی نخواهیم بود.

– آیا تکرار مقام نایب قهرمانی از جانب تیم دریانوردان بوشهر در لیگ برتر امکان پذیر خواهد بود، البته با شرایط سخت موجود؟

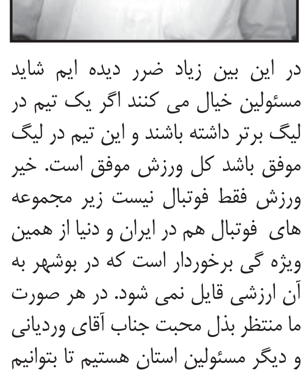
– فکر می کنم خیلی مشکل است. ما می دانیم که تیم ها با شناخت بیشتر وارد لیگ برتر خواهند شد و ما نمی توانیم بازیکنان خوب سال قبل مان را حفظ کنیم. بنابراین باید از نو شروع کنیم هر چند که ما از نظر شناخت فوتبال ساحلی ریشه دار هستیم.

– در پایان چه گپ خاصی با مسئولین دارید؟

– تیم دریانوردان نماینده استان بوشهر در لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران است و می بایست حمایت مالی شود. در هر لیگی تیم خرجش زیاد است و بعضی ها خرجشان کم تر، گمان نمی کنم مسئولین ما را به امان خدا رها کنند. در فوتسال به ما خیلی ظلم شد. تیم ما بعد از ۶ سال تغییر نکرد دیگر تیم های فوتسال استان به رده ما نرسیدند. ما هم به زحمت خود را در لیگ دسته اول و دوم حفظ کردیم. حالا اگر بخواهند با تیم ساحلی ما هم چنین رفتاری کنند نمی دانم چه کار کنم.

– مثل این که درد دلت زیاد است؟

– چه جور هم، بعضی وقت ها با خودم فکر می کنم اگر ما در استان محرومی مثل ایلامی بودیم به ما بیشتر اهمیت می دادند و نگاه ها به ما بهتر بود. ما در این بین زیاد ضرر دیده ایم شاید مسئولین خیال می کنند اگر یک تیم در لیگ برتر داشته باشند و این تیم در لیگ موفق باشد کل ورزش موفق است. خیر ورزش فقط فوتبال نیست زیر مجموعه های فوتبال هم در ایران و دنیا از همین ویژه گی برخوردار است که در بوشهر به آن ارزشی قایل نمی شود. در هر صورت ما منتظر بذل محبت جناب آقای وردیانی و دیگر مسئولین استان هستیم تا بتوانیم در لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران نماینده شایسته از استان بوشهر باشیم.



درخشش شنای بوشهر

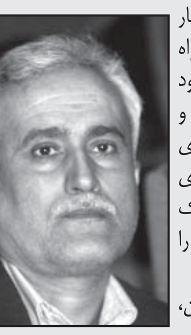
دومین مرحله از لیگ شنای آب های آزاد ایران با درخشش شناگران بوشهری همراه بود. این دوره از مسابقات که در بندر نوشهر (مازندران) برگزار گردید یک مدال طلا در رده سنی بزرگسالان و کسب عنوان دوم تیمی در رده های بزرگسالان و جوانان برای شناگران بوشهر حاصل تلاش این عزیزان بود. حمید علیپور میثم اسماعیل، مهرداد اسداللهی، فرشاد فخار، امیررضا غذبانی، جلال ایوب زاده، مهرداد طاهری، از شناگران موفق بوشهری حاضر در این دوره بودند. ایوب محمود آبادی و محمد منصورزاده نیز از مربیان زحمتکش شناگران بوشهری بودند. محمد منصورزاده نیز از مربیان زحمتکش شناگر بوشهری بودند. موفقیت شناگران بوشهری در این دوره رقابت ها به حدی چشمگیر و تحسین برانگیز بود که دبیر فدراسیون شنا دکتر رمضانی مرحله سوم لیگ شنای آب های آزاد ایران را به میزبانی بوشهر پیشنهاد داد. امیدواریم در آینده نیز با حمایت های دکتر آرامی رییس هیئت شنای استان شاهد موفقیت بیشتر شنای بوشهر باشیم.

برنامه لیگ دسته دوم بسکتبال کشور

گروه الف:ساینا کردستان–هیات کرمانشاه–گلستان–شهرداری ملایر
گروه ب :آذربایجان شرقی–پرسپولیس بهبهان–صنعت نفت آبادان–شهرداری بابل
گروه ج :هیات گیلان–گاز خوزستان–هیات رفسنجان–پتروشیمی رازی ماهشهر
گروه د :عملیات غیر صنعتی ماهشهر–گنبد–دانشگاه آزاد بوشهر

روز خبرنگار

*** امان اله شجاعی**



هفدهم امرداد، روز پر افتخار سربازان، شهیدان و جانبازان راه آزادی ست و جا دارد با تمام وجود و با افتخار تمام این روز میمون و مبارک را به تمام شیفتگان آزادی و اندیشه تبریک گفته و برای یکایک آنان از درگاه یزدان پاک آرزوی زندگی سراسر افتخاری را آرزو نماییم.

بندهای زندان، گلوله های آتشین، خنجرهای زهر آلود، بمب ها و موشک ها در میادین جنگ و مبارزه برای کسانی که راه خود را انتخاب کردند و به آزادی و اندیشه و اطلاع رسانی و آگاهی رسانی به مردم باور دارند به مصابح قدم زدن در گلزاری ست که خار و گل را با هم می بینند و احساس می کنند، نه بیشتر...

البته خبرنگاران خود بهترین کسانی هستند که می توانند با بیان واقعیات و عدم تسلیم در مقابل زر و زور و تزویر و نیز در مقابل مشکلات اقتصادی، شأن و جایگاه خود را ارتقاء بخشند و این روز خبر را و نام خبرنگار را محترم شمارند و ارجی بیشتر نهند. ان شاء الله

مهندس مسعود راویان عضو هیئت مدیره نظام مهندسی بوشهر:

با شروع بکار هیئت مدیره جدید، برنامه های ائتلاف را پیاده می کنیم



– در این دوره شاهد حمایت و اعتماد مجدد مهندسین به شما در انتخابات هیئت مدیره نظام مهندسی بوشهر بودیم چه احساس مسئولیتی از این بابت می کنید؟

– مسلم است که اعتمادی که مهندسین نسبت به من پیدا کرده اند، مسئولیت من و سایر همکاران که به آن ها رای داده اند را دو صد چندان می کند. بنابراین لازم است که من به همراه سایر همکاران در راه رسیدن به اهداف عالیه سازمان نظام مهندسی، فعالیت زیادی را داشته باشیم و این امر میسر نیست مگر با همکاری و همدلی تمامی مهندسین سازمان. به عبارتی این پیغام را به مهندسین می دهم که تنها با رای دادن کار آنها تمام نشده است و برای رسیدن به اهداف مان باید از آن ها کمک بطلبیم.

– آیا برنامه جدیدی در دوره جدید هیئت مدیره نظام مهندسی دارید؟

– بله، به طور کل ائتلافی که من عضو آن بودم برنامه ها را مشخص کردند که ما با آن برنامه در انتخابات شرکت کردیم. مسلم است به محض این که حکم اعضا تنفید شود و دوره جدید شروع به کار کند باید این برنامه ها را پیاده کنیم. از جمله این که بعضی از حلقه های مربوط به امر ساخت و ساز به صورت حلقه ی مفقوده است که ما باید در این سه سال مابقی و یا سه سه سال پیش رو سعی کنیم، حتی الامکان این حلقه ها را بیشتر به هم گره بزنیم. به طور مثال در حال حاضر در استان ما کانون مجریان ذیصلاح اجرا نمی شود که امید داریم که با کمک شهرداری، سازمان مسکن و شهرسازی و خصوصا با حمایت معاونت عمرانی استانداری این کانون را در این استان اجرا کنیم. هم چنین در ارتباط با استاندارد مصالح، انشاء الله همکاری مستمری را با سازمان استاندارد داشته باشیم. در ارتباط با کارگران ماهر که متأسفانه در حال حاضر از این نظر شدیدا استان ما در فقر بسر می برد، امیدوار هستیم که با کمک سازمان آموزش و فنی و حرفه ای، کارگران و استادکاران مهارت های لازم را پیدا کنند بطوریکه در پایان دوره سه ساله، استادکار فاقد کارت مهارت فنی در ساختمان ها وجود نداشته باشد. یکی از برنامه های دیگر ما کنترل مصالح است که انشاءالله پیگیر این مسئله هستیم که ارتباط با خاک زمینی که ساختمان بر آن برپا می شود، بتن و اسکلت فلزی (جوشکاری) توسط آزمایشگاه های استان کنترل های لازم در امر ساخت و ساز صورت گیرد و این موضوع به صورت یک امر اجباری تبدیل شود.

– در دوره های قبل از سوی سازمان نظام مهندسی فعالیت اندکی بر روی فرهنگ سازی و بالا بردن آگاهی مردم از فرهنگ ساخت و ساز را شاهد بودیم. آیا در دوره جدید برای این منظور برنامه ای دارید؟

– بله به همین دلیل هیئت مدیره در بودجه سالانه سازمان اعتباری را به همین منظور پیش بینی کرده و به تأیید مجمع عمومی سازمان رسانده است. که انشاءالله در ارتباط با مسائل مرتبط با ساخت و ساز از جمله شناسنامه فنی و ملکی و مسایل فنی مرتبط با ساخت و ساز آگاهی های لازم از طریق جراید – سایت سازمان – همکاری با صدا و سیما – پارچه نویسی – نصب بنرهای مختلف و غیره انجام خواهد شد.

– برای بالا بردن و به هنگام سازی وضعیت علمی مهندسی در بوشهر چه برنامه ای دارید؟

– برای به روز رساندن سطح علمی مهندسین در سال های قبل و خصوصا سال ۸۷ دوره های آموزشی زیادی برای مهندسین پیش بینی و اجرا کردیم. هم چنین در سال جاری تا کنون چهار سمینار برای مهندسین برگزار کردیم و انشاءالله در ادامه هم قصد این را داریم که این دوره های آموزشی و سمینار ها را ادامه بدهیم. تا انشاءالله مهندسین مان با جدیدترین یافته های علمی در زمینه ساختمان آشنایی پیدا کنند.



آرش اکبری
شاگردممتاز کلاس دوم
دبستان فروغی بسطامی
باتشکر از سرکار خانم کریمی



زهره پور بیات
شاگرد ممتاز کلاس اول راهنمایی
مدرسه ام البنین



جای خوب برای حریف

تماشاگران از اختصاص قسمت غربی سکو معروف به شاهینی ها «در کنار جایگاه ویژه» به تماشاگران تیم حریف!! و خالی ماندن آن تا آخر بازی شوکه شده بودند. آنها حتی به میزان اختصاص داده شده نیز معترض بودند و اظهار می داشتند این بیشتر از ده درصد حجم ورزشگاه است و ...



نصف سکو هشت لیدر!!

لیدرها لباس متحدالشکل و یک رنگی را پوشیده بودند «زرد» تا از سایر تماشاگران متمایز بوده و به اصطلاح لیدری کنند. هر چه شور در سکوهای شمالی به چشم می آمد که حصل زحمات لیدرها بود، در سکوهای جنوبی شاهینی ها و پاسی ها بیشتر در سکوت به تماشای بازی نشسته بودند، لیدرها هم یک جا جمع شده بودند و ...



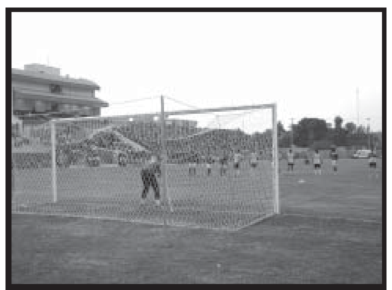
کیفیت نامطلوب آب

ورود بطری آب معدنی به ورزشگاه ممنوع بود ولی این بار ورزشگاه می شد آب خنک نوشید اما کیفیت آب چندان مطلوب تماشاگران نبود. این سوال همه تماشاگران بود یک مخزن آب تصفیه شده پول چند نفر تماشاگران است؟ آیا به سلامتی ما نمی ارزد؟



پخش نقل و شیرینی و سکه

روز نیمه شعبان بود و از سوی تربیت بدنی نقل هایی میان تماشاگران پخش شد و در همین حین یکی از لیدرها سکه های پنجاه تومانی را به نشان شادی بر سر تماشاگران پاشید. البته این سکه ها می توانست دردساز شود اگر ...

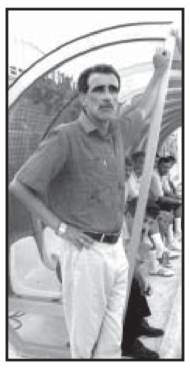


دروازه شرقی پر از خاطره

دروازه شرقی پذیرای آخرین گل لیگ یک ایران بود، گلی که منجر به صعود شاهین به لیگ برتر شد. همین دروازه اولین گل شاهین در لیگ برتر را نیز دریافت کرد. اما باز دروازه شرقی اولین گل لیگ برتری شاهین را در آغوش کشید تا تماشاگران و کللی فرد نفسی راحت بکشند.

احمدزاده سرمربی ملوان:

تیم شاهین فراتر از انتظار من بود



احمدزاده سرمربی ملوان گفت : بازی زیبایی را از هر ۲ تیم شاهد بودیم. شاهین خیلی خوب و فراتر ازانتظار من در این بازی ظاهرشد.

وی در ادامه گفت: به مردم ومسئولین بوشهر پیشنهاد می کنم به این تیم وکادر فنی اش اعتقاد و حمایت کنید مطمئن باشید که نتیجه آن را خواهید گرفت.

وی یادآور شد: برنامه تیمی ما استفاده از توپ های بلند پشت مدافعان شاهین بود که تا حدودی موفق بودیم.

از بازی بچه های ملوان با توجه به گل دیر هنگامی که دریافت کردیم در این هوای گرم با شرجی بالا راضی هستم. شاهین در هفته های آینده که به هماهنگی بهتری خواهد رسید حرف های زیادی برای گفتن در لیگ امسال خواهد داشت.

احمد زاده اعتراض خود را هم از نبودن نورافکن در ورزشگاه به هئیت فوتبال بوشهراعلام و بیان کرد: تنها ورزشگاه بوشهر که برای مسابقات لیگ برتر انتخاب شده به علت نداشتن نورافکن توانایی میزبانی بازی های لیگ برتر را ندارد.

وی با انتقاد از انتخاب ساعت ۱۸ برای برگزاری دیدار ملوان انزلی و شاهین پارس بوشهر در ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر اظهارداشت: در حالیکه شرایط جوی بوشهر به دلیل داشتن هوای شرجی از اهواز بدتر است اما بازی استقلال اهواز ساعت ۱۹/۳۰ دقیقه برگزار می شود.

احمد زاده گفت: انتخاب ساعت ۱۸ برای بازی شاهین پارس بوشهر و ملوان بندر انزلی در بوشهر نوعی ظلم در حق ملوان بود.

یک خسته نباشید به هیئت فوتبال و سازمان تربیت بدنی اما...

میهمان نوازی افراطی هیئت فوتبال



* علی اسماعیلی



همه تمهیدات برگزاری یک مسابقه فوتبال آبرومندانه خوب چیده شده بود، مقدماتی حرفه ای که اگر غریبه ای روز جمعه به سمت ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر می آمد، گمان می کرد بوشهری ها چند سال است که در لیگ حرفه ای بازی می کنند. از چیدمان دستفروش ها گرفته تا بلیط فروشی مسابقه تا بوفه داخل و کار جالب تر محلی برای فروش، لوح فشرده و کتاب فوتبال بوشهر و چند بازی به یاد ماندنی دو تیم محبوب بوشهری و منتخب بوشهر در مقابل تیم های پرپولیس و استقلال. نکته جالب تر بر طرف کردن همان عیب و کمبود بزرگ بازی قبل یعنی نبود آب آشامیدنی مناسب و خنک اگر چه شاید دهان ما طعم این آب را «به علت مصرف آب های تصفیه شده» از یاد برده بود و شاید کمی احساس نامناسبی می کرد ولی انصافا آب این آب سرد کن ها در تمامی ساعت ها «از لحاظ دما و خنکی» مناسب و قابل استفاده بود و رنگ آمیزی سکوها، فنس ها و اضافه کردن نرده های محافظ در بالای فنس ها، تعویض و شیک کردن نیمکت مربیان و ذخیره ها، سیستم صوتی مناسب و ترمیم چمن و ... از دیگر کارهای صورت پذیرفته بود که بابت این زحمت های فراوان در این مدت یک خسته نباشید جانانه به حاج محمد دوانی، حاج حسین وردیانی و تمامی همکارانشان عرض می داریم. اما سه نکته قابل تأمل و دارای سوال:

نکته اول، نور ورزشگاه:

هنوز دکل ها نصب نشده بودند و بازی هر چه به انتها نزدیک تر می شد از میزان نور ورزشگاه کاسته می شد! یک نکته و یک سوال مهم در این جا این است که اگرخدای نکرده طی یک اتفاقی در بازی «فوتبال است و ورزش و غیر قابل پیش بینی» و یک وقفه نیم ساعتی در بازی می افتاد، آیا با این میزان نور طبیعی کم می شد بازی را تا آخر ادامه داد؟ البته راهکار این نیست که بازی باید زودتر انجام شود بل که باید توجه به دمای هوا، بهتر است هر چه سریع تر دکل ها نصب شوند و سعی شود بازی ها به جای ساعت ۱۸ ساعت ۱۹ برگزار گردد تا تماشاگر بیشتری به ورزشگاه بیاید.

نکته دوم: کنده شدن صندلی ها و رنگ آمیزی سکوها

رنگ آمیزی به شکل زیبایی صورت پذیرفته بود و یقینا با کنده شدن صندلی ها، ورزشگاه صاحب حجم بیشتری در پذیرش تماشاگران را دارا شده بود. اما این کار ما به نوعی عقب گرد است. در حالی که تمامی ایران با نصب صندلی به فکر ایجاد رفاه برای تماشاگران هستند این اقدام هیئت فوتبال کمی غیرکارشناسانه به نظر می رسید. به راستی چرا در حالی که در ورزشگاه آزادی که در ماه شاهد شکسته شدن هزاران صندلی است، صندلی های شکسته در قبل از هفته آتی تعویض می گردند، باید ما در بوشهر شاهد برچیده شدن تمامی صندلی های ورزشگاه باشیم؟ به راستی نشستن بر روی آن سکوهای داغ و آفتاب خورده بتنی!! کاری سخت و دشوار بود!!

نکته سوم: جایگاه ویژه تماشاگران میهمان

آقای دوانی این سوالی بود که همه ورزشگاه از همدیگر می پرسیدند. چرا این جا؟ وقتی به سمت سکوی محل استقرار تماشاگران شاهین حرکت می کنی ، متوجه می شوی که نصف سکو خالی است. بر سر درب سمت راست جایگاه ویژه دو تابلو نصب شده که روی یکی از آنان نوشته شده است «محل ورود تماشاگران مهیمان» تعجب می کنم.

وقتی راهرو وسط سکوها را طی می کنی و می بینی قسمت نزدیک به جایگاه و میانه ورزشگاه به نصف تقسیم شده و آن گاه متوجه بیش از حد مهیمان نوازی خودمان می شویم، نه تنها بیش از حد مهیمان نواز می شویم بل که این اجازه را به صاحبخانه هم نمی دهیم تا به قسمت بزرگی از سکوها که فقط بیست الی سی نفر ساکن دارد وارد شویم و آن قسمت تا آخر بازی خالی می ماند!! اگر این قانون است که باید ده درصد ورزشگاه به تماشاگران تیم مهیمان اختصاص داده شود و تا آخر بازی هم خالی بماند چند سوال را در ذهن به وجود می آورد، اول این که، این قانون به جز بوشهر در کجای دیگر رعایت می شود؟ و دوم این که، آیا تیم میزبان سهم ده درصد بهای بلیط تماشاگران خود را پرداخت می کند که سکوها باید خالی بماند؟ اما گذشته از این براستی در کجای ایران محل استقرار تماشاگران در کنار جایگاه ویژه و یا رو به روی آن بوده است؟ وقتی به همه ورزشگاه های ایران می نگری می بینی که جایگاه تماشاگران میهمان در حدود نقطه کرنری می باشد و نه میانه میدان، البته آن هم نه میزان ده درصد بلکه به میزان تماشاگران در ثانی ما باید از حوادث تلخ این چند سال لیگ برتر در کشورمان درس های لازم را بگیریم. آیا حادثه تلخ نابینا شدن سرباز وظیفه در پی دیدار سپاهان اصفهان و پرسپولیس از خاطر برده اید؟ آیا علت اصلی آن حادثه قرار گرفتن تماشاگران تیم مهیمان و میزبان «به شکل ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر» نبوده است؟

به هر حال بهتر است قبل از آن که شاهد حادثه ای تلخ باشیم و برای رعایت بیشتر مسایل امنیتی و حمایت بیشتر و استفاده از میزبانی به نفع تیم شاهین پارس جنوبی، محل تماشاگران تیم میهمان از جایگاه فعلی به سمت سکوهای شمال غربی ورزشگاه که اتفاقل دارای درب ورودی و خروجی مجزا به ورزشگاه را نیز دارا می باشد، شویم، یقینا یکی از عامل اصلی بقای شاهین در لیگ برتر تماشاگران خواهند بود. بهتر است از این میزانی نهایت استفاده را ببریم.

یک خسته نباشید به هیئت فوتبال و سازمان تربیت بدنی بوشهر اما ...

علی اکبر شمسا کارشناس فوتبال:

عدم هماهنگی در بین شاهینی ها مشهود بود



– آقای شمسا از دیدگاه شما بازی دو تیم شاهین و ملوان انزلی چگونه بود؟

– با توجه به بازی اول هر دو تیم، بازی بدی نبود.

– شاهین را چگونه مشاهده کردید؟

– بازیکنان شاهین توان فنی خوبی دارند و در برابر ملوان بازی خوبی انجام دادند این را به این دلیل عرض می کنم که اولین بازی آن ها در اولین حضورشان در لیگ برتر است. امید است برابر سایپا هم با قدرت بیشتر بازی کنند.

– مشکل عمده شاهین در چه چیزی دیدید؟

– عدم هماهنگی در بین شاهینی ها مشهود بود اگر این مسئله مرتفع شود، این تیم با بازیکنانی که در اختیار دارد می تواند بازی های خوبی به نمایش بگذارد.

– چرا شاهین دیر گل زد؟

– متأسفانه به دلیل این که پاس های خوبی به مهاجمان نمی رسید و نبودن سر زن در بین مهاجمان شاهین و سانتر از جناحین برای مهاجمان این تیم، مهاجمان را کم اثر کرده بود، به نظر من این روش خیلی خوب بود. روی همین مسئله شاهین دیر به گل رسید.

– بهترین خط شاهین کدام منطقه بود؟

– چون عملکرد بازیکنان خط میانی خوب بود، من هافبک های شاهین را بهترین ها می دانم.

– بهترین بازیکن شاهین را چه کسی معرفی می کنید؟

– به نظر من ساندی خیلی خوب کار کرد، پترویچ گرچه پاس های خوبی می داد اگر مربیان بتوانند از ایشان بهتر استفاده کنند می توان میانه میدان را به خوبی بدست بگیرد. ناگفته نماند گلر شاهین هم بد نبود.

– ضعیف ترین منطقه شاهین کدام خط بود؟

– خط دفاعی در بین خطوط چهارگانه شاهین، ضعیف تر بود. عدم هماهنگی و موقعیت دادن به مهاجمان ملوان، نزدیک بود کار دست شاهین دهد.

– شاهین برای موفقیت در بازی های آتی در لیگ برتر چه کار باید کند؟

– همین ترکیبی که برابر ملوان به زمین فرستاده شد، یک رقابت به وجود آورده شود، نباید بازیکن حس کند که همیشه در ارنج اصلی است، مثلا باید بین ایران نژاد و حمید محمدی رقابت باشد تا بهترین ها در بین ۱۱ نفر قرار بگیرند.

– هفته آینده شاهین در کرج مقابل سایپا دیداری از هفته دوم لیگ برتر برگزار خواهد کرد با توجه به شکست سایپا مقابل ذوب آهن اصفهان در هفته اول، شاهین باید در کرج چگونه باشد؟

– شاهین باید بداند در کرج سایپا میزبان است. همان طور که شاهین در بوشهر از میزبانی استفاده کرد، آن ها هم قطعا از بازی خانگی سود خواهند برد، به نظر من اگر از توان و استعدادهای موجود در تیم شاهین استفاده شود و در این زمان ممکن است تیم شاهین به هماهنگی بیشتری برسد. این بازی مقابل سایپا محک خوبی خواهد بود برای ارزیابی بهتر و نتیجه مطلوب.

فرصت ها با خلاقیت به وجود می آیند نه با شانس

* مجید اصلانی



از قدیم گفته اند حرف حساب دو کلمه است و دانستن اندازه های خود از آن حرف های حساب است که انسان را وا می دارد تا از گزافه گویی و وعده های غیرمسئولانه جدا پرهیز نماید. برویم سر اصل موضوع و آن هم فوتبال بوشهر است که سالیان درازی است که از ارتباط علمی و عملی با جهان خارج، کشورهای پیرامون حوزه خلیج فارس و حتی مسابقات لیگ بر تر به دور افتاده ولی در فصل پیش توانسته یک موفقیت نسبی در لیگ دسته اول کشور در جام آزادگان را با حمایت همه جانبه تماشاگران به دست آورد تا با یک پله پرش در مسابقات لیگ ایران، دست به تجربه جدیدی بزند. در این سری مسابقات که از نیمه مرداد ماه آغاز گردید، تمام رفتارهای مسئولین این استان تحت شرایط حرفه ای گری مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد و به خاطر همین است که می گویند با فوتبالی ها و اهالی فوتبال به زبان خودشان سخن برانید. تازه داریم فرهنگ حرفه ای فوتبال را مزه مزه می کنیم و می بایست کارها نقد شود و مسئولین از نقد منتقدین که می توانند سازنده و راهگشا باشد با آغوش باز استقبال نمایند. خبرنگاران، ورزش نویسان فوتبالی، مجریان و کارشناسان رادیو وتلویزیون چشم بیدار و ذهن پرسشگر جامعه هستند و این ها هستند که مسایل ورزش و فوتبال استان را بررسی و با بیان شجاعانه ضعف و قوت هر موضوعی را در معرض دید و شنود همگان قرار می دهند.

مسایلی که با تراکتورسازی و رقابت نزدیک و نفس گیر برای صعود داشتیم موجب هیجان و زیبایی و دیالوگ در گروه دوم لیگ آزادگان گردیده بود. هر دو تیم بنا به قدمتی که داشتند صعود خودشان را مسلم می دانستند تا آن جایی که به روزهای آخر کشیده شد و نشان داد که فوتبال ۹۰ دقیقه است و تیمی که فرصت ها را با خلاقیت به وجود می آورد و نه با شانس مستحق تر است که به طور مستقیم به لیگ برتر راه یابد.

عدم آگاهی از اندازه های خود و عدم تماس در جشنواره ها و تورنمنت های رسمی باعث گردیده که فوتبال بوشهر از علم روز و پیشرفت فوتبال مدرن عقب بیافتد. این مبحث و مباحث فوتبال پایه در استان بوشهر طی هفته های آتی به آن پ داخته خواهد شد و از نظرات عزیزان علاقمند نیز استقبال می گردد.

در لیگ برتر تفکر یارگیری از سایر تیم های شهرستانی چنان چه برنامه ای پشتوانه دار پایه ای و اولی به همراه نداشته باشد مانند سم است. مدارس فوتبال و آموزش پایه ای و ایجاد تفکر کمیته استعدادیابی که قبلا به صورت خودجوش و عاشقانه در محلات و سطح شهر داشتیم می بایست دوباره در دستور کار برنامه ریزان هیئت فوتبال و باشگاه ها قرار گیرد. فوتبال سنتی و بومی صرف هم به نوعی ما را آسیب پذیر می نماید. بلکه تعادل بین این دو (فوتبال ایرانی با طعم بوشهری) و اعتماد به برنامه هایی با پشتوانه علمی و شرکت فعالانه در مسابقات جام حذفی در لیگ برتر ما را به حد و اندازه های خود می رساند که در کجای فوتبال ایران و منطقه قرار گرفته ایم.

از نگرانی های شاهین ...

* علیرضا محمدی



نهمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران، آغاز گردید. حرف و حدیث پیرامون برخی مسایل حاشیه ای قبل از شروع فصل به حدی رسیده بود که گاهی شنیده ها خبر از تغییر رییس فدراسیون فوتبال می داد. از قضیه نام های رمزی مربیان از جمله ف.ک و الف.د گرفته تا داستان پر سر و صدای منشور اخلاقی که علی رغم نامی زیبا و فرهنگی از درون به خاطر دخالت در زندگی خصوصی ورزشکاران و مربیان با مخالفانی سرسخت رو به رو بود.

امسال ۴ تیم به مسابقات آسیایی راه می یابند (۳ تیم اول در لیگ برتر و قهرمان جام حذفی) و ۴ تیم هم از گروه رقابت ها حذف می شوند. بنابراین مدیران و کادر فنی تیم تا قبل از آغاز رقابت ها سعی داشتند به نسبت منابع مالی در دسترس بهترین انتخاب از گزینه های مختلف برای بستن ترکیب نهایی تیم خود را داشته باشند.

شاهین بوشهر نیز با تلاش فراوان پس از راهیابی به لیگ برتر سعی در بستن تیمی با انگیزه و قدرتمند داشت که با جذب چند چهره نام آشنا، وزن تیم نیز بالاتر رفت. ایوان پترویچ، والنته، عبدی، پورخسروانی و ... از بازیکنان جذب شده در فصل جدید هستند.

خوزه مورینو مربی سرشناس تیم اینترمیلان ۳ عامل را در بازی پیش از دیدار با لاتزیو نگران کننده می داند که ما نیز در شاهین کم و بیش این مشکلات را داریم:

۱- انگیزه حریف ۲- زمان ناکافی برای آماده سازی تیم ۳- شرایط بازی و تیم حریف.

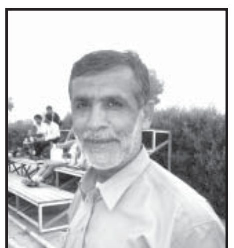
۱- با تصمیمی که فداسیون فوتبال در حذف ۴ تیم از گردونه رقابت های لیگ برتر دارد همه تیم ها با انگیزه برد به میدان می آیند و دیگر تیمی دست و پا بسته و از پیش باخته، پا به میدان نمی گذارد.

۲- شاهین بوشهر نیز به جهت حضور در بازی پلی آف برای راهیابی به لیگ برتر عملا فرصت کافی برای استراحت بازیکنان و کادر فنی و زمان مناسب برای دوره بدن سازی تیم و هماهنگی های لازم بین بازیکنان جدید نداشت امیدواریم با درایت کادر فنی مجموعه تیم به شرایط ایده آل نزدیک گردد.

۳- می دانیم که بیشتر تیم ها همه عوامل را در به کار گیری کسب امتیاز به حرکت درمی آورند از نوع میزبانی از تیم ها، شرایط سخت در زمین مسابقه و ... هر لابی که بتواند تیم شان را به پیروزی برساند و این یکی از مهم ترین دغدغه های بوشهریهایی است که تیم های رقیب با داشتن لابی های مختلف و نه در مستطیل سبز سعی در برتری از تیم محبوب بوشهری دارند. ولی با همه این تفاصیل بازی خوب و قابل قبول شاهین مقابل ملوان انزلی نشان داد شاهین با چه انگیزه های مثبتی به لیگ برتر قدم گذاشته است.

دوانی رئیس هیئت فوتبال بوشهر:

هنوز کار دارد تا شاهین تیم شود



– جناب دوانی راجع به بازی تیم شاهین با ملوان انزلی, چه نظری دارید؟

–راجع به این که تیم شاهین اولین حضورش را در لیگ برتر تجربه می کرد بازی بدی به نمایش نگذاشت. البته هر دو تیم اشتباهاتی داشتند که بر کیفیت کار تأثیر گذاشت. متأسفانه بازیکنان شاهین به دلیل عدم خودباوری که در بین مهاجمین و تزلزل در خط دفاعی شاهین, نتوانست برنده این بازی شود. به نظر من ملوان تیمی نبود که برای پیروزی به بوشهر آمده باشد، آن ها در دقایق پایانی آن چنان تحت فشار بودند که شکست را به چشم خود دیدند.

– در مجموع شاهین را چگونه دیدید؟

–علیرغم وجود اشکالات در تیم شاهین در مجموع عملکرد آن ها خوب بود ولی هنوز می بایست کار کنند تا تیم شوند در این راه کادر فنی تلاش بسیاری باید از خود نشان دهد.

– به نظر شما اگر تعویض های تیم شاهین زودتر انجام می شد، تأثیرگذارتر نبود؟

–چرا، ولی نظرها در مورد مسایل فنی متفاوت است که در این بین نظر نهایی را سرمربی می دهد. به نظر من با تعویض ها تیم شاهین جان تازه ای گرفت.

کللی فرد را باید ستود

* علی رضا حق پرست



طبیعت انسان همیشه به گونه ای است که کمتر به داشته های خود در عین شایستگی توجه می کند و بیشتر اوقات می نشیند و تماشاگر داشته های دیگران می شود.

وقتی صحبت های محمد احمدزاده درباره کللی فرد می خوانیم که می گوید کللی فرد انسان شایسته ایست و باید حمایت شود، بیشتر و بیشتر به خود افتخار می کنیم که شهر ما بزرگمردی چون او را دارد. اما برای موفقیت کللی فرد تنها تعریف و تمجید از ایشان کافی نیست بلکه باید همه دست به دست دهم تا شرایطی برای ایشان فراهم کنیم که بتوان با یک آرامش ذهنی و روحی خوب به بپشبرد برنامه های خود برسد. همان گونه که این مربی در بازی با ملوان نشان داد راه و روش بزرگ شدن را خوب فرا گرفته و این برای شاهین و فوتبال بوشهر جای بسی خوشحالی دارد. مربی ای که توان جمع و جور کردن تیمی که به درستی ۲ هفته در کنار یکدیگر تمرین نداشته را طوری هدایت کند که دل هواداران فوتبال در بوشهر را به روز های آینده بیشتر از پیش امیدوار کند. بیایید برای یک بار هم که شده دست از کج رفتاری ها بردارید، مدیریت سلیقه ای را کنار بگذارید و در کنار مردم برای به پرواز در آمدن شاهین در آرمان شهر لیگ برتر گامی استوار بردارید.

آقایان مسئول پارس جنوبی که فقط قول می دهید آیا این همه شور بی پایان هواداران را تماشا کردید؟ پس اگر اندک اهمیتی برای این شوق بی پایان قائل هستید قول و قرارهای کذایی را کنار بگذارید و به حمایت این تیم که باعث دل خوشی مردم می شود بپردازید. آری آقایان مسئول اکنون شاهین لیگ برتری است وبرای حفظ این تیم و شور و نشاطی که در بین مردم جریان دارد باید از جان مایه گذاشت. باید از کللی فرد حمایت همه جانبه شود چرا که ایشان می تواند فوتبال بوشهر را دوباره به سوی روزهای خاطره انگیزش باز گرداند. پس برای اینکه امیدوار بود تا دیگر بار شاهد راه افتادن کارناوال شادی در بین مردم باشیم، حمایتی برخواسته از تار و پود جانمان در راه سختی که پیشروی شاهین و کللی فرد هست داشته باشیم.

باخت تیم آموزشگاههای بوشهر و دانشگاه آزاد

تیم آموزشگاههای بوشهر ،در یک دیدار تکراری به مصاف تیم فارس رفت و متاسفانه با اختلاف زیاد، بوشهر این بازی را واگذار کرد و با یک پله سقوط نسبت به سال قبل به مقام ششم مسابقات بسکتبال آموزشگاههای کشور بسنده کرد. اما تیم دانشگاه آزاد که در تمامی مسابقاتش شکست را پذیرا شده بود و در مشهد بسر می برد، با باخت در آخرین بازی مقابل تهران با نتیجه ۵۲-۳۲ بدون برد به بوشهر بازگشت.

اسماعیل آمری تنها داور بوشهری در لیگ برتر فوتبال ایران:

به دنبال چنین فرصتی بودم

– آقای آمری از کلاس توجیهی که برای حضور داوران در نهمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران در تهران برگزار شد، صحبت کنید؟

– کلاسی که ذکر کردید به مدت ۷ روز در تهران انجام شد که بعد از آن از داوران تست بدنی گرفته شد که خدا را شکر بنده از این آزمون سربلند بیرون آمدم.

– چرا از بوشهر فقط یک داور در لیگ برتر سوت خواهد زد. مگر دیگر داوران هم استانی شایسته حضور نبودند؟

– داوران دیگر هم شایسته قضاوت در لیگ برتر بودند ولی این تصمیم و تشخیص کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران بود، چون امسال سهمیه داوران نسبت به سال گذشته خیلی کمتر شده و قرار بر این شد که از بوشهر فقط یک نفر استفاده شود.

– شما چهار سال در لیگ دسته یک فوتبال ایران قضاوت کردید و حالا به حق خود یعنی سوت زدن در لیگ برتر نایل شدید. برای این امر چه قدر انگیزه دارید؟

– من به دنبال چنین فرصتی بودم و برای این حضور خیلی انگیزه دارم و به سادگی این را ازدست نخواهم داد.

– به عنوان یک بوشهری که در لیگ بی رحم برتر سوت خواهی زد، خوب می دانید از هر لحاظ زیر ذره بین کارشناسان خواهی بود. برای این که نماینده شایسته از بوشهر باشی چه می کنی؟

– من قول می دهم به عنوان یک بوشهری تمام تلاشم را انجام دهم تا جامعه داوران بوشهر را روسفید کنم.

– به دلیل این که شما از مرز ۳۵ سالگی گذشتید، به احتمال زیاد توفیق قضاوت در مسابقات بین اللملی شامل شما نخواهد شد ولی تا ٤٥ سالگی می توانید در لیگ برتر حضور داشته باشید، افق کارتان در لیگ در کجا خواهد بود؟

– دوست دارم به یکی از داوران برتر ایران تبدیل شوم. البته این مهم به عواملی مانند لطف خدا، حمایت مسئولین، مطبوعات بوشهر، جامعه داوران بوشهر و تلاش خودم بستگی دارد، اگر تعریف نباشد این افق را از حالا مشاهده می کنم.

– گپ آخر؟

– از همه بوشهری ها می خواهم که در این راه برایم دعای خیر کنند.



نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



فرار ملوان از بوشهر و حسرت شاهین

شاهین بوشهر ۱ ملوان انزلی ۱

گل ها: مهران جعفری (۱۸) برای ملوان – رضا بازیاری (پنالتی – ۸۵) برای شاهین

داور: خدادار افشاریان – اخطار: حق شناس از شاهین – ابراهیمی از ملوان

در ایامی که گرد و خاک های ارسالی کشور عراق، خلق بوشهری ها را تنگ کرده و شیوع بیماری آنفلوانزای خوکی اکثر مردم این خطه را خانه نشین، کسر حقوقی کارمندان در مرداد ماه ۸۸ و قیمت گزاف میگو در این ماه، امید به موفقیت تیم شاهین در لیگ برتر فوتبال ایران می رود که این مسئله هم به دلیل عدم هماهنگی بین بازیکنان شاهین و پچ پچ های منیت وار مسئولین تیم شاهین که این روزها نقل محفل اهالی فوتبال گردید، در اولین گام لیگ برتر شاهین را در برابر ملوان انزلی ناکام کرد. ملوانی که ۶۰ روز قبل تیم شاهین تمرینات خود را

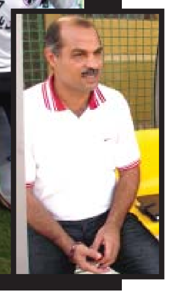


شروع کرده بود و حتی اردوی خارجی (ارمنستان) انجام داده بود، از بوشهر جان سالم به در برد. ۱۰ هزار بوشهری در روز جمعه گذشته یک صدا شاهین را تشویق کردند و خورشید هم تابش مردانگی خود را ثابت کرد، ولی این منیت و من من ها آخرالامر آتشی برپا خواهد کرد که دودش به چشم همه روانه شود. به امید این که یک ذره دلمان برای بوشهر بسوزد.

کللی فرد سرمربی شاهین پارس جنوبی بوشهر :

ملوان در بوشهر شانس آورد





– حمید خان خسته نباشی، به نظر اکثر اهالی فوتبال ، تیم شاهین در اولین بازی اش در لیگ برتر بازی نسبتا خوبی را به نمایش گذاشت، گرچه هنوز مشکلاتی فنی در تیم شما رویت می شود. لطفا در خصوص باز ی با ملوان انزلی برای خوانندگان نسیم جنوب صحبت کنید؟

– با عرض سلام خدمت شما و همه بوشهری ها، امروز بازی ۷۰ درصد در اختیار ما بود به نظر من اگر بچه ها دقت بیشتری از خود نشان می دادند نتیجه غیر از این بود که رقم خورد.

– دلیل بارز این نقیصه چه بود؟

– یک مقدار در حمله تمرکز نداشتیم و گرنه ما می توانستیم با یک نتیجه خیلی خوب با ۴ گل ملوان را ببریم.

– درخصوص ملوان چه نظری دادید؟

– در نیمه اول بد نبودند ولی در ۴۵ دقیقه دوم چیزی برای گفتن نداشتند، به عقیده من ملوان در بوشهر شانس آورد من به آن ها تبریک می گویم که در بوشهر مساوی کردند. این نتیجه برای آن ها حکم پیروزی را داشت.

– فکر نمی کنید کمی دیر تعویض ها را انجام دادی؟

– ما روی این مسئله برنامه ریزی کرده بودیم و اکثر کارمان روی زمین بود و بیشتر تمرکزمان به منطقه پشت خط حمله بود و روی عمق دفاع ملوان تمرکز کرده بودیم.

–از کسانی که به عنوان یار تازه نفس به زمین رفته رضایت دارید؟

– بله در حد توان زحمت کشیدند.

–در این بین بهادر عبدی با توجه به زمان اندکی که در زمین حضور داشت تأثیر خوبی داشت، نظر شما چیست؟

– بله بهادر در زمانی که به زمین آمد خوب کار کرد.

– بهترین بازیکن تیم شاهین برابر ملوان چه کسی بود؟

– به نظر من هافبک میانی ما (او باجی کی ساندی) عملکردش بهتر از دیگران بود.

– قبل از مسابقات شما دغدغه خط دفاعی را داشتید ، خط دفاعی شما در برابر مهاجمان ملوان را چگونه ارزیابی می کنید؟

– در کل راضی بودم چون ملوان موفقیت زیادی روی دروازه ما خلق نکرد. خط دفاعی ما خوب محک نخورد، روی یک اشتباه، گل دریافت کردیم.

– از دقیقه ۱۱ الی ۱۵ شاهین حاکم بازی بود از دقیقه ۱۶ تا پایان نیمه اول شما خیلی تحت فشار ملوان قرار گرفتید، علت این مسئله چه بود؟

– یک مقدار تمرکز را از دست دادیم و تا حدودی ضعف بدنی، باعث شد این مسئله روی دهد. برای رفع این مشکل زمان نیاز است که انشاءالله آن را حل خواهیم کرد.

– شما در برابر ملوان با روش ۱-۳-۲-۴ بازی می کردید و در حالت دفاع ۱-۲-۳-۴ آیا این شیوه به خاطر این بود که بتوانید از فضاهای احتمالی که در نزدیکی ۱۸ قدم تان ایجاد شود، استفاده کنید و جلو خط دفاعی را به نوعی شلوغ می کردید؟

– بله، چون ملوانی ها دو هافبک خوب داشتند و باید توسط ساندی و پترویچ مهار می شدند و در این بین پترویچ کمتر در مسئله دفاعی شرکت می کرد. به بچه ها گفته بودم که اگر با بیش از سه نفر حمله کردند به جز ساندی، عبدالله کرمی هم به خط دفاعی کمک کند.

– برابر سایپای کرج با چه روشی بازی خواهید کرد؟

– همان روش ۱-۳-۲-۴

– سیستم سایپا را می دانید؟

– نه از روش سایپا خبری ندارم باید فیلم بازی آن ها را ببینیم و برای آن بازی برنامه ریزی کنیم.

– در برابر ملوان از چه کسی یا چه جناحی رضایت کامل ندارید؟

– از خط حمله رضایت ندارم.

– و گپ پایانی در رابطه با هوادارنی بگو که در برابر ملوان نود دقیقه شاهین را تشویق کردند؟

– فوتبال مال این مردم است و مردم باید این فوتبال را به نتیجه برسانند. از همه هواداران خواهش می کنم صبر داشته باشند و بیشتر تیم ما را حمایت کنند چون به حمایت آن ها نیاز داریم. تشویق نود دقیقه ای آن ها در روز جمعه یعنی استارت ما در لیگ برتر، واقعا عالی بود.



حاشیه های بازی شاهین بوشهر و ملوان انزلی

* یکی از هواداران متعصب ملوان انزلی که ساکن بوشهر بود، چند دقیقه قبل از شروع مسابقه، یک قاب بزرگ به محمد احمدزاده هدیه داد، این قاب عکس قدیمی ملوان انزلی بود که احمدزاده به آن عکس بوسه زد و با این کارش مورد تشویق هواداران ملوان شد.

* جایگاه همیشگی شاهینی ها (پشت نیمکت ذخیره ها) به هواداران تیم های میهمان اختصاص داده شد که در روز بازی شاهین و ملوان حدود ۱۵۰ نفر شمالی ملوان را حمایت می کردند.

* دقیقه ۳ بازی، توپی محکم به شکم ساندی (هافبک شاهین) برخورد کرد. شماره ۳۰ ملوان (دسوزا) فرپلی را انجام نداد و ساندی از درد به خود می پیچید، هواداران بوشهری هم به بازیکن ملوان اعتراض کردند و او را بی غیرت خطاب کردند.

*دقیقه ۵، داور مسابقه به پیراهن کللی فرد گیر داد، چون پیراهن او سفید بود دستور داد که پیراهنش را عوض کند. کللی فرد هم پس از چند دقیقه با پیراهن قرمز رنگ به کنار زمین آمد.

* دقیقه ۶، ناظر مسابقه، به دلیل این که کارت مربیگری اصغر کامیاب صادر نشده بود او را به جایگاه هدایت کرد تا از بین تماشاچیان ویژه، بازی را تماشا کند.

* دقیقه ۱۱ در این دقیقه دعوایی بین دوانی و سرپرست تیم ملوان شروع شد که با دخالت مأمور نیروی انتظامی ختم به خیر شد. گویا دوانی به نحوه هدایت هواداران ملوان که خیلی پراکنده به جایگاه مخصوص می رفتند اعتراض داشته است.

* دقیقه ۱۵، دو افغانی در بین هواداران ملوان دیده می شد. وقتی از دوانی سوال کردیم ، گفت: این دو کارگر هستند و داشتند یخ در آبخوری استادیوم می ریختند که توسط همشهریان خودمان اذیت شدند و آن ها را به جایگاه هواداران ملوان منتقل کردیم.

* دقیقه ۲۵ در این لحظه یک مرتبه افشاریان داور بازی به کنار داور چهارم آمد و چیزی از جیب شورتش بیرون آورد و به وی داد. بنده خدایی از هواداران بوشهری که چشمش از ما تیزتر بود گفت: افشاریان موبایلی با خودش به زمین برده حالا باید از رییس کمیته داوران فدراسیون فوتبال سوال کرد آیا این کار افشاریان قانونی بوده یا خیر!؟

* دقیقه ۳۶ وقتی که مهدی کیانی هافبک شاهین در موقعیت تک به تک با گلر ملوان قرار گرفت و آن بخت گلزنی را از دست داد یکی از هواداران متعصب شاهین گفت: ای خدا این هم بازیکن لیگ برتری مان.

* دقیقه ۴۴ خطای کاملا مشهودی بر روی مهاجم شاهین (پور خسروانی) در ۱۸ قدم ملوان انجام شد که افشاریان به سادگی از این مسئله گذشت. در این بین اعتراض و حرکات حزین مربی پرتغالی شاهین دیدنی داشت او مثل هلی کوپتر می پرید باز هم به تعصب این فرنگی.

* دقیقه ۱+۴۵ وقتی که پورخسروانی موقعیت تک به تک را رو به روی گلر ملوان به بدن سنگربان حریف کوبید، تماشاگری خدا داد زد: یعنی این خیلی بهتر از نجمی زاده یا مرداسی است که کللی فرد این قدر به او بها داده است.

* دقیقه ۵۹ وقتی بازیکنان شاهین باب دل هواداران بازی نمی کردند، تماشاچیان ضلع شرقی شعار کللی تعویض را سر می دادند. ۸ دقیقه پس از این مسئله اولین تعویض شاهین انجام شد.

* دقیقه ۶۲ توپی ساده از دفاع راست شاهین (محمدی) عبور داده شد و نزدیک بود برای شاهین خطرساز شود. چند نفر از جوان هایی که در جایگاه نشسته بودند داد زدند: «آقای کللی فرد! محمدی خراب می کنه نمی خواهی عوض کنی .»

* دقیقه ۶۴ ، مهدی کیانی برای تصاحب توپ از پژمان نوری با سرعت به طرف او دوید و به دلیل عدم کنترل به داخل پست دو و میدانی افتاد. پژمان نوری بازیکن ملوان او را از زمین بلند کرد و حالش را جویا شد. این عمل نوری باعث شد که بوشهری ها نوری را تشویق کنند.

– دقیقه ۶۸، ایوان پترویچ در ۱۸ قدم ملوان موقعیت خوبی به دست آورد اما بچگانه و خیلی آرام توپ را در اختیار گلر حریف قرار داد. از بالای جایگاه یکی داد زد: «ای هی ای هم بازیکن ۴۰۰ میلیونی اگر قرار باشه توپ این طوری خراب کنند، بازکینان پارسالی آورده بودند بهتر بود، دیگه دلمان نمی سوخت.»

* دقیقه ۷۵، وقتی که مهاجم ملوان توپ را از حمید محمدی قاپید و شوتش به کنار دروازه برخورد کرد، حمید کللی فرد که حسابی از دست محمدی کلافه شده بود برای چند لحظه سر و دستش را به عنوان اعتراض تکان می داد.

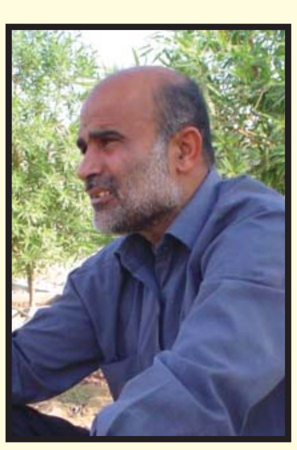
* با این که ساندی بازیکن آفریقایی شاهین یکی از بهترین های شاهین بود هر چه به پایان بازی نزدیک می شدیم او بهتر بازی می کرد. او در دقیقه ۳۵ پاس عالی به پورخسروانی داد و مدافع ملوان روی این مهاجم خطا کرد و داور خطای پنالتی اعلام کرد. بازیاری پنالتی را به گل تبدیل کرد.

* تلاش افراد و پرسنل هیئت فوتبال بوشهر بسیار جالب و قابل تحسین بود. همه جایگاه ها تقسیم شده بود و هر کس جای خود هدایت می شد. البته در برقراری نظم مأموران نیروی انتظامی هم پرتلاش بودند و جا دارد از همین جا از نیروی خدوم انتظامی تشکر ویژه ای داشته باشیم.

* نزدیک به ۱۰ هزار تماشاچی برای دیدن این بازی به استادیوم آمده بودند که در زمان های خاص شعارهای گوناگونی سر می دادند. فقط خدا رحم کرد که شاهین بازنده نشد والا شعارهای بوی دیگری به خود می گرفت.

حسین وردیانی عضو هیئت رییسه شاهین:

شاهین خوب کار کرد



– آقای وردیانی اولین بازی شاهین در لیگ برتر در برابر تیم ملوان انزلی با تقسیم امتیازها به پایان رسید در این رابطه چه نظری دارید؟

– با توجه به اولین حضور شاهین در لیگ برتر بعد از هشت دور، تیم خوب کار کرد و موقعیت های خوبی برای گلزنی به دست آورد به خصوص در ۴۵ دقیقه اول که شاهین دو موقعیت تک به تک با گلر ملوان را به سادگی از دست دادند. اگر مهدی کیانی و عباس پور خسروانی دقت بیشتری داشته و توپ هایشان به گل می نشست، بازی به سود شاهین می چرخید.

– ملوان را چگونه مشاهده کردید؟

– تیم ملوان هم تیم خوب و جوانی بود که در این روز با دوندگی بسیار یک امتیاز را از شاهین گرفتند.

– ضعف مشهود شاهین را چه می دانی؟

– ضعف اول، عدم تجربه در لیگ برتر است و مشکل دوم دیر شروع کردن یا به عبارتی زمان کافی نداشتن برای هماهنگی بین بازیکنان بود. اگر دیدی که ملوان تا حدودی هماهنگ تر از شاهین بود، فقط به خاطر زمانی بود که در اختیار داشت.

– ضعف فنی شاهین را در کجا می توان جست و جو کرد؟

– به نظر من خط دفاعی شاهین به مقدار ضعیف نشان داد که امیدوارم با تقویت این خط از لحاظ روحی و فنی به شرایط آرمانی نزدیک شوند.

– بازیکن عراقی که برای خط دفاعی به خدمت گرفته اید خبری از ایشان نیست، چرا؟

– ما هم منتظریم که به بوشهر بیاید ولی هنوز از او بی خبریم.

– تماشاگران چگونه بودند؟

– مثل همیشه عالی بودند. من همیشه می گویم که فوتبال بدون تماشاچی معنا ندارد.

تعویض و تغییر تاکتیک به موقع

شاهینی ها وقتی از ارسال توپ از جناحین سودی نبردند، با ورود بهادر عبدی به میدان تاکتیک خود را تغییر دادند، ارسال توپ به عمق خط دفاعی و فرار از تله مدافعان این تاکتیک کارساز شد و فرار خوب خسروی منجر به خطای دروازه بان انزلی چی ها بر روی او شد تا داور با اشاره به سمت نقطه پنالتی در سوت خود بدمد. اگر این تاکتیک از اول یا دقایق ۵۰ تا ۵۵ در سرلوحه کار قرار گرفته بود و بهادر عبدی زودتر به میدان فراخوانده شده بود، شاهین می توانست در اولین دیدار لیگ برتری خود کاسب سه امتیاز بازی باشد اما ...

عملکرد بازیکن شاهین در برابر تیم ملوان انزلی

یازده جنگنده شاهین زیر ذره بین

نیاز به اعتماد نفس

دروازه بان، مجتبی روشنگر:



او ۹۰ دقیقه برای شاهین سنگربانی کرد و در کل نمایش خوبی از خود به جا گذاشت. در طول بازی شش واکنش خوب روی توپ های خطرناک مهاجمان ملوان انجام داد. روشنگر هنوز به اعتماد به نفس کامل و هماهنگی با خط دفاعی نرسیده که امید است روز به روز پله های ترقی را در شاهین طی کند.

هدیه شادی به بوشهری ها

مدافع وسط، رضا بازیاری (کاپیتان): وی همیشه جور مهاجمان را می



کشد. گل دقیقه ۸۵ او در برابر ملوان شادی را به بوشهر هدیه داد. بازیاری در طو ل۹۰ دقیقه، ۱۳ پاس سالم و ۴ پاس ناقص به هم تیمی های خود داد که آمار نسبتا خوبی است. اشتباه بزرگ او در اواخر نیمه اول نزدیک بود مهاجم برزیلی ملوان را صاحب گل کند که عدم تمرکز کافی، خطر از بیخ گوش شاهین گذشت.

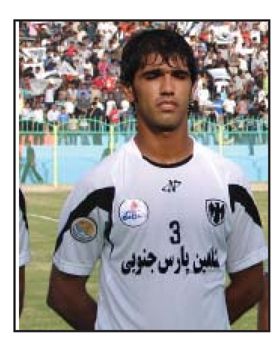
بازی دست به عصا



مدافع وسط، جمال حق شناس: حق شناس در سال گذشته یکی از بهترین های شاهین بود. این شاهینی اصفهانی در طول جریان ۹۰ دقیقه مسابقه با خطایی که اوایل بازی انجام داد و کارت زرد دریافت کرد، دست به عصا بازی می کرد و این مسئله باعث شد که او با استرس بازی خود را به پایان برساند.

اولین تجربه لیگ برتر

مدافع راست حمید محمدی:



مدافع سمت چپ شاهین در برابر ملوان به سمت راست نقل مکان کرده بود. این بازیکن بوشهری اولین بازی خود را در لیگ برتر تجربه می کرد و چند بار از سمت راست تدارک حمله مهیا کرد که بی فایده بود. در کل او هم از جمله کسانی بود که از عدم هماهنگی کل تیم رنج می برد.

رنج از عدم هماهنگی

مدافع سمت چپ، محسن ایران نژاد: محسن در طول ۹۰



دقیقه، ۱۱ بار پاس سالم به هم تیمی های خود داد، ۷ بار اوت دستی را پرتاب کرد و همکاری خوبی با حق شناس در خط دفاعی داشت. تنها گل ملوان از محوطه عملیاتی آقا محسن به طرف شش قدم شاهین ارسال شد.

شیر جنگنده

هافبک میانی، عبدالله کرمی:



۹۰ دقیقه مثل شیر جنگید، ۱۲ پاس سالم به شاهینی ها داد، سه خطا انجام داد و چهار شوت به طرف دروازه ملوان شلیک کرد که سه تای آن به درون چهارچوب رفت. او در کل ۹۰ دقیقه عملکرد خوبی داشت.

ستاره بی چون و چرای شاهین

هافبک میانی، او باجی کی



ساندی: ستاره بی چون و چرای شاهین در مقابل ملوان، این افریقایی باشعور و خلاق در مبارزه با ملوان انزلی، ۲۸ پاس سالم و بدون نقص را به شاهینی های سفید پوش هدیه داد و و ۴ سانتر از جناحین به روی دروازه ملوان ارسال کرد. در میانه میدان همکاری خوبی با امیرحسین محمدی و پترویچ داشت و پاس منجر به پنالتی را به پورخسروانی ارسال نمود. او بازیکنی است که اگر همین سان حرکت کند سال آتی خریدارهای زیادی خواهد داشت.



همکاری در بازی

هافبک نفوذی ایوان پترویچ: ۸۶ دقیقه برای شاهین بازی کرد و در طول این دقایق، ۲۰ پاس صحیح را به هم دسته ای های خود ارسال کرد، دو سانتر از جناحین بر روی محوطه ۱۸ قدم ملوان سانتر نمود و یک شوت در چهار چوب حریف زد. همکاری او با ساندی و بازیاری دیدنی بود او می تواند در لیگ برتر عصای دست کللی فرد باشد.

بازی ساده

هافبک راست، امیر حسین محمدی: محمد ۷۵ دقیقه در



سمت راست خط میانی فعالیت کرد، ۱۰ پاس سالم داد و ۳ پاس اشتباه حاصل کار او بود. دوندگی او در حد مطلوبی بود ولی در بعضی از اوقات بسیار ساده بازی می کرد. تنها گل ملوان از منطقه فعالیت او به سمت شش قدم شاهین ارسال شد که به تور روشنگر بوسه زد او بازیکن قابل است اما به زمان زیادی نیاز دارد.

کمی عصبی

هافبک چپ، مهدی کیانی: این



آبادانی خلاق، ۶۸ دقیقه در زمین بازی حضور داشت، دو خطا انجام داد دو سانتر به روی دروازه ملوان ارسال کرد و یک کرنر به طرف دروازه گیلانی ها شلیک نمود او از قدرتی بدنی خوبی برخوردار است و همکاری خوبی در او دیده می شود ولی این طور که نشان داد کمی عصبی است اگر او آرامش را حفظ کند و در قدر موقعیت های که به دست می آورد را به خوبی بداند یکی از بهترین های شاهین خواهد شد.

از دست دادن موقعیت گل

مهاجم، عباس پور خسروانی:



مهاجم ثابت شاهین در طول نود دقیقه چندین بار از دست فشار مدافعان ملوان فرار کرد که در دقیقه ۸۴ با پاس حساب شده ساندی روانه دروازه ملوان شد و با خطای سنگربان حریف داور میدان نقطه پنالتی را به سود شاهین نشان داد. این مهاجم سرعتی و کم حرف سه شوت به طرف دروازه ملوان شیک کرد که دو شوتش در چهارچوب حریف قرار گرفت. موقعیت خوب گلزنی را در نیمه اول به سادگی از دست داد. این مهاجم با کمی دقت و تلاش بیشتری در لیگ برتر حرف هایی برای گفتن خواهد داشت.

یاران تعویضی

منصور تنهایی (هافبک): این هافبک ریز نقش ۱۵ دقیقه به سمت راست خط میانی فعالیت کرد و با توجه به زمان اندکی که به جمع شاهینی ها پیوسته است بد کار نکرد.

بهادر عبدی (هافبک): در دقیقه ۷۵ به جای امیرحسین محمدی به زمین بازی آمد و در حد توان خود برای موفقیت شاهین دوندگی کرد.

والنته (مهاجم) : این مهاجم برزیلی فقط ۴ دقیقه فرصت بازی را به دست آورد و در یکی دو کورس که با مدافع ملوان داشت خطرناک نشان داد. با آمدن این مهاجم قطعا خط حمله شاهین گلزن خواهد داشت. او در دقیقه ۸۶ به جای پترویچ وارد زمین شد.